



مجمع عمومی

23 اوت 2006

اجلاس شصت و یکم
ترویج و حمایت از حقوق کودکان

حقوق کودک

گزارش کارشناس مستقل سازمان ملل متحد برای مطالعه در زمینه خشونت علیه کودکان

پیام دبیر کل

دبیر کل سازمان مفتخر است که بدین وسیله گزارش کارشناس مستقل، «پائولو سرجیو پینرو»، به سازمان ملل متحد در زمینه مطالعه خشونت علیه کودکان که پیرو قطع نامه شماره 60/231 مجمع عمومی ارائه شده است را در اختیار اعضای محترم مجمع عمومی قرار دهد.

همچنین دبیر کل اطمینان دارد که اعضای محترم مجمع عمومی گزارش حاضر و راه کارها و مکانیسم هایی را که برای انجام پیگیری، پایش و همچنین اجرای تصمیمات و پیشنهادهایی که در زمینه این موضوع خطیر اتخاذ و ارائه می شود، به طور دقیق و کامل مورد مطالعه و بررسی قرار خواهند داد.

خلاصه

این گزارش بر اساس مطالعه عمیق توسط پائولو سرجیو پینرو که به منظور انجام این مطالعه از طرف شخص دبیر کل سازمان طی قطع نامه 57/90 در سال 2002 تعیین شد تهیه شده است و در آن تصویری کلی از خشونت علیه کودکان و همچنین توصیه هایی برای پیشگیری و پرداختن به این امر مهم ارائه می شود. در این گزارش اطلاعاتی در زمینه اعمال انواع مختلف خشونت علیه کودکان در خانواده، مدرسه، مراکز مراقبت جایگزین از کودک، کانونهای اصلاح و تربیت، محل هایی که کودکان در آنها کار میکنند و همچنین در جامعه محلی ارائه شده است. در کنار این گزارش کتابی نیز در دسترس است که در آن این مطالعه و تحقیق با جزئیات بیشتری تشریح شده است.

این مطالعه از طریق فرآیندی مشارکتی در سطوح منطقه ای، زیر منطقه ای و همچنین سطوح کارشناسان ملی کشورها و نیز با برگزاری و انجام جلسات کارشناسی موضوعی و بازدید های میدانی تهیه شده است. همچنین پاسخ هایی جامع و فراگیر توسط بسیاری از دولت ها به پرسشنامه ای که در سال 2004 از طرف کارشناس مستقل در اختیار آنها قرار گرفته بود ارائه شد.

کارشناس مستقل تمایل دارد تا بدین وسیله مراتب قدردانی خود را در قبال حمایت های همه جانبه کشورها، سازمان های منطقه ای، سازمان های دولتی و نیمه دولتی و همچنین سازمان های وابسته به سازمان ملل متحد، سازمان ها و نهاد های مدنی و همچنین کودکان ابراز نماید.

1- مقدمه: حمایت از کودکان در برابر خشونت

1. هیچ نوع خشونت‌تی علیه کودک قابل توجیه نیست و کلیه اشکال خشونت علیه کودکان قابل پیشگیری است. با این حال مطالعه در زمینه خشونت علیه کودکان (گزارش حاضر) این مساله را تایید می کند که انواع خشونت در کلیه کشور های جهان وجود دارد و صرفنظر از فرهنگ، طبقه اجتماعی، سطح آموزش، سطح درآمد و اصلیت قومی، علیه کودکان اعمال می شود. در هر منطقه از جهان، بر خلاف تعهدات حقوق بشری و همچنین نیاز های رشد و بالندگی کودکان، خشونت علیه کودک به طور اجتماعی پذیرفته شده است و حتی در مواردی قوانین یا دولتها امکان اعمال خشونت علیه کودک را مورد تایید قرار میدهند.
2. این مطالعه باید به نقطه عطفی در این زمینه تبدیل شود - پایانی به توجیه خشونت علیه کودکان توسط بزرگسالان، اعم از اینکه این خشونت به صورت «سنت» پذیرفته شود و یا به عنوان «تادیب» توجیه گردد. در مبارزه با خشونت علیه کودکان مسامحه به هیچ وجه قابل قبول نیست. منحصر به فرد بودن کودکان - توان بالقوه و آسیب پذیر بودن آنها، و نیز وابستگی آنها به بزرگسالان - ایجاب می کند که نه کمتر بلکه بیشتر در برابر خشونت از آنها حمایت و حفاظت شود.
3. هر جامعه ای، صرفنظر از پیشینه فرهنگی، اقتصادی و یا اجتماعی، می تواند و باید از اعمال خشونت علیه کودکان جلوگیری نماید. این تنها به معنی مجازات و تنبیه افرادی که خشونت اعمال می کنند نیست، بلکه نیازمند ایجاد تحول در ذهنیت جوامع و در شرایط و زیرساخت های اقتصادی و اجتماعی که به اعمال خشونت منجر می شوند است.
4. این مطالعه اولین مطالعه و تحقیق جهانی و فراگیر در زمینه انواع خشونت علیه کودکان است که توسط سازمان ملل متحد انجام گرفته است. در تهیه این گزارش از مطالعه تاثیر درگیری های مسلحانه و جنگ بر کودکان که 10 سال پیش توسط «گراسا ماشل» به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه شد و همچنین گزارش جهانی خشونت و سلامت سازمان جهانی بهداشت (WHO) استفاده شده است. در انجام این مطالعه، که اولین مطالعه جهانی از این دست است، برای اولین بار به صورت مستقیم و مداوم از خود کودکان بهره گرفته شده است. کودکان در کلیه جلسات منطقه ای که در زمینه این مطالعه برگزار شده است شرکت نموده اند و در کنار تشریح خشونت هایی که تجربه می کنند پیشنهادهای نیز برای پایان دادن به این خشونت ها ارائه نموده اند.
5. خشونت علیه کودکان ابعاد متعددی دارد و در نتیجه پاسخ ها و راه حل های چند وجهی و چند منظوره را طلب می کند. در این مطالعه چشم اندازهای حقوق بشر، سلامت عمومی و حمایت از کودکان ترکیب

شده اند و کارشناسان در این رشته ها برای تهیه این گزارش با یکدیگر همکاری نموده اند. در این مطالعه از مطالعات علمی روزافزونی که در زمینه علل، عواقب و امکان پیشگیری از اعمال خشونت علیه کودکان انجام شده اند بهره گرفته شده است.

6. حمایت از کودکان در برابر خشونت مسئله ای است که فوریت دارد. کودکان طی قرون متمادی در معرض اعمال خشونت از طرف بزرگسالان بوده اند و این خشونت قابل رویت نبوده و در مورد آن صحبت نمی شده است. در دنیای امروز که مقیاس و میزان تاثیر انواع خشونت علیه کودکان شناخته شده تر است باید کودکان را تحت حمایت ها و حفاظت موثر قرار داد چرا که برخورداری از این حمایت ها حق مطلق و مسلم و غیرقابل انکار آنان است.

الف. شرح وظائف و دامنه مطالعه

7. در سال 2001 بنا بر پیشنهاد کمیته حمایت از حقوق کودک مجمع عمومی پیرو قطعنامه شماره 56/138 از دبیر کل سازمان ملل متحد خواست که دستور انجام مطالعه ای عمیق و فراگیر در زمینه موضوع خشونت علیه کودکان را صادر و در پی مطالعه، پیشنهادات و راه حل هایی برای اتخاذ اقدامات مقتضی و مناسب از سوی دولت های عضو ارائه نماید. در ماه فوریه سال 2003 بنده از سوی دبیر کل به عنوان مسئول و مدیر اجرایی این مطالعه و برنامه تحقیقاتی منصوب شدم.

8. در این مطالعه تعریف کودک همان تعریف کودک در ماده 1 پیمان نامه حقوق کودک است که طبق آن: «هر فرد زیر هجده سال کودک محسوب می شود، مگر اینکه طبق قوانین جاری کشور مربوطه سن قانونی کمتر تعیین شده باشد». تعریف خشونت همان تعریف ذکر شده در ماده 19 پیمان نامه حقوق کودک است: «هر گونه خشونت فیزیکی / جسمی یا روحی و روانی، صدمه و آزار، بی توجهی و رفتار ناشی از بی توجهی، سوء رفتار و یا سوء استفاده از جمله سوء استفاده جنسی». همچنین تعریف ارائه شده در گزارش جهانی خشونت و سلامت (2002) مورد استفاده قرار گرفته است: استفاده عمدی از قدرت و یا نیروی فیزیکی، تهدید و یا استفاده واقعی از نیروی فیزیکی، علیه کودک، توسط یک فرد و یا یک گروه، که یا به صورت عملی به سلامتی، حیات، رشد و همچنین عزت نفس کودک به صورت بالفعل و یا بالقوه صدمه بزند و یا احتمال ایجاد صدمات بعدی را افزایش دهد.¹

¹ «ای. جی. کروگ»، گزارش جهانی خشونت و سلامت (ژنو، سازمان جهانی بهداشت، 2002)، صفحه 5.

9. در این گزارش به خشونت علیه کودکان در زمینه ها و بستر های متفاوت شامل خانواده، مدرسه، مراکز مراقبت جایگزین از کودک و کانونهای اصلاح و تربیت، مکان هایی که کودکان در آنها کار می کنند، و جوامع محلی پرداخته می شود. در این گزارش کودکان در درگیری های مسلحانه مورد بررسی قرار نگرفته چرا که پرداختن به این موضوع در حیطه اختیارات نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل متحد در زمینه کودکان و درگیری های مسلحانه است، ولی مسائل مرتبط با این مقوله نظیر خشونت علیه کودکان پناهنده یا آواره در آن مورد بررسی قرار گرفته است.

10. در کنار این گزارش کتابی نیز موجود است که جزئیات کامل یافته های مطالعه و توصیه های مطرح شده در آن آمده است و نسخه دوستدار کودک این گزارش نیز در کتاب مذکور گنجانده شده است.

ب. فرآیند مطالعه

11. در تهیه و انجام این مطالعه فرآیند مشارکتی را اجرا نمودم که سطوح منطقه ای، زیر منطقه ای و مشاوره های ملی، جلسات کارشناسی موضوعی و بازدید های میدانی را شامل می شود. در ماه مارس سال 2004، پرسشنامه ای جامع را در زمینه نحوه رویکرد دولت ها در زمینه مساله خشونت علیه کودکان توزیع نمودم. به طور کلی 133 مورد پاسخ دریافت نمودم.²

12. بین ماه مارس و ماه جولای سال 2005، تعداد نه جلسه مشارکتی منطقه ای برای منطقه کارائیب، جنوب آسیا، غرب و مرکز آفریقا، آمریکای لاتین، آمریکای شمالی، شرق آسیا و اقیانوسیه، خاورمیانه و شمال آفریقا، اروپا و آسیای مرکزی، و شرق و جنوب آفریقا برگزار شد. در هر جلسه در حدود 350 نفر شرکت نمودند از جمله وزرا و سایر مقامات دولتی، نمایندگان پارلمان کشور ها، نمایندگان سازمان های منطقه ای یا بین دول و آژانسهای سازمان ملل متحد، سازمان های غیر دولتی (NGOها)، موسسات و سازمان های فعال در زمینه حقوق بشر در کشور ها (NHRIs)، سایر اعضای جامعه مدنی از جمله رسانه ها، موسسات مذهبی و خود کودکان. کودکان در تک تک مشاوره های منطقه ای شرکت نمودند و قبل از شرکت در این مشاوره ها نظرات و توصیه های خود را در ارتباط با مطالعه طی جلساتی آماده نمودند. گزارش های مربوط به تک تک مشاوره های منطقه ای، از جمله توصیه های ارائه شده در دسترس است. تعدادی جلسات در سطح زیر منطقه ای یا ملی نیز برگزار شدند.

² تا تاریخ 31 جولای 2006، 132 دولت عضو و یک محقق پاسخ های خود را ارائه نموده اند. کلیه پاسخ ها در پایگاه اینترنتی [OHCHR:http://www.ohchr.org/english/bodies/crc/study.htm](http://www.ohchr.org/english/bodies/crc/study.htm) در دسترس است.

13. دولت هایی که میزبانی و برگزاری این جلسات را بر عهده گرفتند به طور فعال و مستقیم در پیشبرد و انجام این مطالعه شرکت جستند. سازمان های منطقه ای از جمله اتحادیه آفریقا، اتحادیه اعراب، اتحادیه جوامع منطقه کارائیب (CARICOM)، مجلس اروپا، اتحادیه اروپا، کمیسیون آمریکایی حقوق بشر سازمان کشورهای قاره آمریکا، و جمعیت همکاری منطقه ای جنوب آسیا نقش بسزایی در انجام و برگزاری این جلسات ایفا نمودند. سازمان های ملی و منطقه ای به صورت فعال در زمینه پیگیری های مربوط به مطالعه فعالیت و همکاری نموده اند.

14. من بازدید های میدانی در آرژانتین، کانادا، چین، السالوادور، گواتمالا، هائیتی، هندوراس، هند، اسرائیل و فلسطین اشغالی، مالی، پاکستان، پاراگوئه، اسلوانی، آفریقای جنوبی، تایلند، ترینیداد و توباگو انجام دادم. بدین وسیله دیگر بار مراتب قدردانی و سپاس خود را از افرادی که انجام این بازدید ها را تسهیل نمودند و همچنین مراتب تشکر خود را نسبت به دولت هایی که بازدید ها و جلسات در کشور های متبوع آنها انجام شده است ابراز می نمایم.

15. بنده در جلسات مشاوره ای منظمی با اعضای کمیته حقوق کودک و مسئولان کمیسیون سابق حقوق بشر شرکت نمودم. ملاحظات نهایی در مورد گزارش دولت های عضو به کمیته و همچنین گزارش های مسئولان برنامه های ویژه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

16. این مطالعه و دفتر مخصوص به انجام آن در ژنو از طریق حمایت سازمان های وابسته به سازمان ملل متحد انجام گرفته است: دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد (OHCHR)، صندوق کودکان سازمان ملل متحد (UNICEF) و سازمان جهانی بهداشت (WHO) با همکاری هیئت تحریریه متشکل از کارشناسان سازمان های مختلف.

17. سازمان های بسیار دیگری ما را در مسیر انجام این مطالعه یاری نمودند از جمله سازمان بین المللی کار (ILO)، دفتر کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد (UNHCR)، سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (UNESCO)، دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (UNODC) و دایره توانمندسازی زنان بخش امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد. گروهی از اعضای آژانسهای مختلف سازمان ملل متحد تشکیل شده است تا برای تدوین راهبردهایی برای انجام پیگیری های مربوط به این مطالعه اقدام نماید.

18. من همچنین از اطلاعات ارائه شده در سه سال گذشته توسط دست اندر کاران مختلف و همچنین خود کودکان برای تهیه گزارش بهره گرفته ام. بیش از 270 فرد و سازمان از نقاط مختلف دنیا به درخواست من

برای ارائه گزارش های عمومی پاسخ دادند. این مشارکتها شامل ارائه اطلاعات توسط کودکان و نیز گزارشهای تحقیقات عمده ای که برای کمک به انجام این مطالعه صورت پذیرفت میشود.³

19. سازمان های غیر دولتی (NGOها) مشارکت قابل توجهی در پیشبرد این مطالعه نمودند از جمله از طریق ارائه گزارش های کتبی. یک پانل مشاوره ای متشکل از سازمان های غیر دولتی با حضور کودکان و نوجوانان در مراحل اولیه فرآیند مطالعه تشکیل شد که در آن نمایندگان از کلیه مناطق عضویت داشتند. بنده ارتباط مستقیم و بسیار نزدیکی با گروه زیر مجموعه کودکان و خشونت که در گروه سازمان های غیر دولتی برای نظارت بر پیمان نامه حقوق کودک فعالیت می کردند، داشتم.

20. علاوه بر مطالعات متعدد اتحاد بین المللی نجات کودکان (ISCA) با همکاری یونیسف و سایر شرکای کاری در زمینه ایجاد زمینه و تسهیل مشارکت و حضور کودکان در مشاوره های منطقه ای کمک بسیار شایان توجهی به انجام این مطالعه نمودند. شبکه جهانی اطلاعات حقوق کودک (CRIN) روند پیشرفت مطالعه را ثبت نموده است، از جمله جلسات من با کودکان و این اطلاعات در پایگاه اینترنتی این مجموعه در دسترس است.⁴

21. مراکز و شبکه های تحقیقاتی، اطلاعات متنوعی در اختیار مطالعه قرار دادند و در مشاوره ها شرکت نمودند. مرکز تحقیقاتی «اینوچنتی» (Innocenti) یونیسف نتایج و یافته های مطالعات خود در زمینه قاچاق کودکان، ختنه دختران و استاندارد های حقوق بشر و مکانیسم های حمایت از کودکان را در اختیار این برنامه مطالعاتی قرار داد. جلسات موضوعی در مورد خشونت مبتنی بر جنسیت، مدارس، خانه و خانواده، کودکان و معلولیت، سیستم های دادرسی ویژه نوجوانان و کودکان معارض قانون، نقش سازمان های مذهبی، فن آوری اطلاعات و مخابرات، کودکان پناهنده و آواره، و روش هایی برای پایش میزان خشونت برگزار شد..

22. روند انجام این مطالعه به آغاز فعالیت ها و اقداماتی در سطوح ملی و منطقه ای منجر شده است. در بسیاری از کشور ها، پاسخ به پرسشنامه منجر به بحث و تبادل نظر در سطح ملی، آغاز اقدامات و همچنین انجام فعالیت های مربوط به پیگیری شده است. در خاورمیانه و شمال آفریقا، کمیته راهبردی اصلی مشاوره منطقه ای به نهادی برای پیگیری فعالیت های مربوطه تبدیل شده است و به تعداد اعضای آن افزوده شده به طوری که هم اکنون نمایندگان دولت های محلی نیز در این گروه عضویت دارند و همچنین بر نقش

³ فهرست گزارش های ارائه شده در پایگاه اینترنتی مبارزه با خشونت علیه کودکان دبیر کل سازمان ملل متحد موجود است: <http://www.violencestudy.org>

⁴ شبکه اطلاعات حقوق کودک (CRIN): <http://www.crin.org/violence/>

اتحادیه اعراب تأکید شده است. "انجمن جنوب آسیا برای پایان دادن به خشونت علیه کودکان" که نهادی بین دولتی است، در سطح وزارت خانه تاسیس شده است و نمایندگان از کلیه کشورها دارد، و میزبانی دبیرخانه انجمن برای دو سال اول بر عهده پاکستان است. پس از تعهدات اعلام شده در مشاوره «لوبلیانا»، شورای اروپا برنامه «ساختن اروپایی برای کودکان و با آنها» را در ماه آوریل سال 2006 آغاز نمود، که در این برنامه تمرکز بر ارائه حمایت های لازم به کشورها در زمینه های فنی و سیاست گذاری برای پایان دادن به خشونت علیه کودکان است. این برنامه به عنوان محملی برای پیگیری فعالیت های بعمل آمده پس از انجام مطالعه، عمل خواهد کرد. در ماه مه سال 2006 کودکانی که در مشاوره های منطقه ای حضور یافته بودند، برای تحکیم توصیه های مربوط به اقدامات بعدی که در مشاوره ها و سایر نشست ها اتخاذ شده بود، در نیویورک گرد هم آمدند.

23. فرآیند مطالعه به ایجاد انتظارات و توقعات زیادی، به ویژه در میان کودکان، منجر شده است، چرا که کودکان انتظار دارند این مطالعه به عنوان عامل تسهیل کننده ای برای تغییرات واقعی و پایدار تبدیل شود. من به نوبه خود، مراتب تشکر و قدردانی عمیق و قلبی خود را به کلیه کسانی که در انجام این مطالعه مشارکت نمودند ابراز می نمایم.

2. معضلی جهانی

24. دیرزمانی است که موارد رفتار خشن و تحقیرآمیز، ختنه دختران، بی توجهی، سوء استفاده جنسی، قتل، و دیگر انواع خشونت علیه کودکان ثبت و گزارش شده است، با این همه ماهیت ضروری و دهشتناک این معضل جهانی به تازگی و اخیراً آشکار شده است.⁵

الف. مخفی، گزارش نشده و به میزان کم ثبت شده

25. خشونت علیه کودکان انواع و اقسام مختلفی دارد و تحت تاثیر تعداد زیادی از عوامل از جمله خصوصیات و ویژگی های فردی قربانی و فرد آزارگر و همچنین محیط فرهنگی و فیزیکی آنان قرار دارد. با این حال بسیاری از انواع و موارد خشونت علیه کودکان بنا به دلایل بسیاری مخفی و غیر علنی باقی می ماند. یکی از این دلایل ترس است: بسیاری از کودکان از گزارش کردن موارد خشونتی که تجربه می کنند وحشت دارند. در بسیاری از موارد والدین که قاعدتا باید از کودکان و فرزندان خود مراقبت و حمایت کنند در صورتی که خشونت از سوی همسر و یا یکی دیگر از اعضای خانواده، و یا فردی با نفوذ تر از لحاظ اجتماعی مثل

⁵ «آ. رضا»، «جی ای مرسی» و «ای کروگ»، «اپیدمیولوژی مرگ در اثر خشونت آمیز در جهان»، «پیش گیری از جراحات و صدمات» جلد 7، (2002)، صفحات 104 تا 111؛ «کروگ»، نقل شده در پانوشنت 1 صفحات 59 تا 86.

کارفرما و یا یک مامور پلیس یا یک رهبر جامعه محلی اعمال شود، سکوت می کنند و موارد را گزارش نمی کنند. ترس رابطه مستقیمی با بدنامی در زمینه گزارش کردن موارد خشونت دارد به ویژه در مناطق و جوامعی که «حرمت و آبروی» خانواده بر امنیت و سلامت کودک ارجحیت دارد. به ویژه تجاوز به عنف و سایر انواع خشونت جنسی ممکن است به طرد و مهجور شدن، خشونت بیشتر و یا حتی مرگ منتهی شود.

26. میزان پذیرش جامعه در مورد خشونت نیز از عوامل بسیار مهم است: هم کودکان و هم آزارگران ممکن است خشونت جسمی، جنسی و روانی را اجتناب ناپذیر شمرده و طبیعی تلقی کنند. ایجاد انضباط از طریق اعمال تنبیه های جسمی و تحقیر آمیز، زورگویی و تهدید جنسی اغلب طبیعی شمرده می شوند، به ویژه در صورتی که این رفتارها به هیچ گونه آسیب و صدمه جسمی ماندگار و «قابل رویت» منجر نشود. فقدان ممنوعیت صریح قانونی در مورد تنبیه بدنی همین امر را نشان می دهد. به گفته "جنبش جهانی برای پایان دادن به تنبیه بدنی کودکان"، حداقل در 106 کشور استفاده از تنبیه بدنی در مدارس، و در 147 کشور استفاده از تنبیه بدنی در مراکز نگهداری کودکان ممنوع نیست و تا به امروز تنها در 16 کشور استفاده از تنبیه بدنی در خانه ممنوع اعلام شده است.⁶

27. همچنین از دلایل دیگر اینکه موارد اعمال خشونت مخفی می ماند این است که راه و روش قابل اطمینان و امنی برای کودکان و یا بزرگسالان برای گزارش موارد اعمال خشونت وجود ندارد. در بعضی نقاط جهان، مردم به پلیس، خدمات اجتماعی و یا سایر مقامات اعتماد ندارند؛ در برخی نقاط دیگر به ویژه مناطق روستایی، هیچ نهاد مسئولی برای گزارش دادن موارد اعمال خشونت در دسترس نیست.⁷ در مواردی که اطلاعات گردآوری می شود، این اطلاعات همیشه و در همه موارد به نحوی کامل، پایدار و شفاف ثبت نمیشود. به ویژه در بسیاری از نقاط جهان اطلاعات بسیار محدودی در مورد موارد اعمال خشونت در کانونهای اصلاح و تربیت در دسترس است، چرا که با اینکه ممکن است موارد معدودی ثبت شود، در بسیاری از این گونه مراکز، الزامی برای ثبت و افشای این اطلاعات وجود ندارد - حتی به والدین کودکانی که مورد خشونت قرار گرفته اند.

ب. تصاویر آشکار

28. ابتکارهای مختلفی از جمله تجزیه و تحلیل آمار در سطح بین المللی و یا تحقیق و پژوهش در سطوح محلی، تصویری روشن تر و شفاف تر از میزان و ماهیت دور از دید این معضل به دست می دهد. اطلاعات به دست آمده از این گونه ابتکارها نشان دهنده این است که با اینکه برخی از موارد اعمال خشونت غیر منتظره

⁶ جنبش جهانی برای پایان دادن به تنبیه بدنی کودکان، خلاصه وضعیت قانونی / حقوقی تنبیه بدنی کودکان (28 ژوئن سال 2006).

⁷ مطالعه سلامت زنان و خشونت محلی / خانگی در چند کشور (ژنو، سازمان جهانی بهداشت، 2005).

و موردی است، اکثر اعمال خشونت آمیزی که کودکان تجربه می کنند از سوی افرادی که بخشی از زندگی آنان را تشکیل می دهند انجام می شود: والدین، هم کلاسی ها، معلمان، کارفرمایان، دوستان دختر یا پسر، همسران و افرادی که با کودک زندگی می کنند. مثال های زیر دامنه خشونت علیه کودکان را نشان میدهد:

- بنا بر تخمین سازمان جهانی بهداشت با استفاده از اطلاعات محدود در سطح کشورها، در سال 2002 در حدود 53,000 کودک در جهان به قتل رسیدند.⁸
- گزارش در مورد تعداد زیادی از کشور های در حال توسعه، مطالعه جهانی سلامت در مدارس نشان دهنده این است که در حدود 20 تا 65 درصد کودکان دانش آموز در 30 روز قبل از انجام مطالعه مورد زورگویی لفظی و یا جسمی از سوی همکلاسی های خود قرار گرفته اند.⁹ زورگویی در کشور های صنعتی نیز رواج دارد.¹⁰
- بنا بر تخمین سازمان جهانی بهداشت در سال 2002، 150 میلیون دختر و 73 میلیون پسر زیر 18 سال به زور وادار به ارتباط جنسی شده اند و یا مورد سایر انواع خشونت جنسی با تماس فیزیکی قرار گرفته اند.¹¹
- بر اساس تخمین سازمان جهانی بهداشت بین 100 تا 140 میلیون دختر و زن در جهان ختنه میشوند.¹² تخمین های یونیسف منتشر شده در سال 2000 نشان می دهد که در آفریقای جنوب صحرا، مصر و سودان سالانه 3 میلیون دختر و زن ختنه میشوند.¹³

⁸ تخمین جهانی عواقب خشونت علیه کودکان در سلامتی. مقاله فرعی در زمینه مطالعه سازمان ملل در زمینه خشونت علیه کودکان (ژنو، سازمان جهانی بهداشت، 2006).

⁹ تجزیه و تحلیل بر روی مطالعه جهانی سلامتی مبتنی بر مدارس: سازمان جهانی بهداشت (<http://www.cdc.gov/gshs>) یا (http://www.who.int/school_youth_health/gshs) با استفاده از اطلاعات گردآوری شده از مطالعات انجام شده بین سال های 2003 تا 2005 در بوتسوانا، شیلی (مناطق شهری)، چین (یکن)، گویان، اردن، کنیا، لبنان، نامیبیا، عمان، فیلیپین، سوازیلند، اوگاندا، امارات متحده عربی، ونزوئلا (لارا)، زامبیا، و زیمبابوه (حراره).

¹⁰ «سی کوری»، مطالعه رفتار های مربوط به سلامتی در کودکان دانش آموز (HBSC): گزارش بین المللی از مطالعه سال 2002/2001. سیاست های مربوط به سلامتی برای کودکان و نوجوانان، شماره 4 (ژنو، سازمان جهانی بهداشت، 2004).

¹¹ تخمین جهانی عواقب خشونت علیه کودکان بر سلامتی، ذکر شده در پانوشت 8، بر اساس تخمین های «جی اندروز» و سایرین، «سوء استفاده جنسی از کودکان»، فصل 23، در «م. عزتی» و سایرین، اندازه گیری مقایسه ای خطرات سلامتی: مشکلات منطقه ای و جهانی ناشی از بیماری های ناشی از مجموعه خاصی از عوامل خطر زای عمده (ژنو، سازمان جهانی بهداشت، 2004)، جلد 2، صفحات 1851 تا 1940، و با استفاده از اطلاعات بخش جمعیت دپارتمان امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد برای جمعیت زیر 18 سال.

¹² ختنه زنان، سازمان جهانی بهداشت، منتشر شده به شماره 241 (ژنو، 2000).

¹³ تغییر یک رسم اجتماعی مضر: ختنه زنان. بولتن شماره 12 «اینوچنتی» (فلورانس، مرکز تحقیقاتی اینوچنتی یونیسف 2005).

■ تخمین های اخیر سازمان جهانی کار (ILO) نشان دهنده این است که در سال 2004، 218 میلیون کودک به کار گرفته شده اند که 126 میلیون کودک از این تعداد برای انجام کارهای مخاطره آمیز به کار گرفته شده اند.^{۱۴} تخمین های مربوط به سال 2000 نشان دهنده این است که 5/7 میلیون کودک وادار به کار اجباری شده اند، 1/8 میلیون برای فحشا و هرزه نگاری مورد استثمار قرار گرفته اند و 1/2 میلیون هم قربانی قاچاق کودکان شده اند.^{۱۵} با این حال در مقایسه با تخمین های منتشر شده در سال 2002، موارد مربوط به کار کودکان در حدود 11 درصد کاهش یافته است و در مقایسه با گذشته در حدود 25 درصد تعداد کمتری از کودکان برای انجام کار های مخاطره آمیز به کار گرفته شده اند.^{۱۶}

پ. عوامل خطرزا و عوامل حمایتی

29. توسعه اقتصادی، وضعیت، سن و جنسیت از عواملی هستند که با خطر خشونت مرگبار مرتبط هستند. بنا بر تخمین های سازمان جهانی بهداشت نرخ قتل کودکان در سال 2002 در کشور های با درآمد پایین دو برابر کشور هایی بوده است که افراد در آنها درآمد های بالاتری دارند (2/58v. 1/21 نفر در هر 100,000 نفر). بیشترین نرخ و تعداد قتل در نوجوانان، به ویژه پسران، بین 15 تا 17 سال (3/28 برای دختران، 9/06 برای پسران) و کودکان بین 0 تا 4 سال اتفاق می افتد (1/99 برای دختران، 2/09 برای پسران).^{۱۷}

30. مطالعات نشان می دهد که کودکان خردسال بیشتر در معرض خطر خشونت جسمی هستند در حالی که خشونت جنسی بیشتر در مورد افرادی که به سن بلوغ و نوجوانی رسیده اند اتفاق می افتد. پسران بیشتر از دختران در معرض خطر تجربه خشونت جسمی هستند در حالی که دختران بیشتر در معرض خطر تجربه خشونت جنسی، بی توجهی و یا وادار شدن به فحشای اجباری هستند.^{۱۸} الگو های اجتماعی و فرهنگی رفتار و کردار و نقش های قالبی و کلیشه ای و عوامل اجتماعی-اقتصادی از قبیل درآمد و آموزش نیز نقش بسزایی در امر خشونت ایفا می نمایند.

¹⁴ پایان کار کودکان – در دسترس است: گزارش جهانی (ژنو، دفتر جهانی کار، 2006).

¹⁵ آینده ای بدون کار کودکان: گزارش جهانی (ژنو، دفتر جهانی کار، 2002).

¹⁶ الگوی های جهانی کار کودکان 2000-2004. برنامه جهانی برای ریشه کنی کار کودکان (IPEC) و برنامه اطلاعات آماری و پایش کار کودکان (SIMPOC) (ژنو، دفتر جهانی کار، 2006).

¹⁷ تخمین جهانی عواقب خشونت علیه کودکان بر سلامتی، ذکر شده در پانوشت 8.

¹⁸ «کروگ»، ذکر شده در پانوشت 1.

31. مطالعات در مقیاس کوچک نشان دهنده این است که گروه هایی از کودکان به نحوی خاص در برابر خشونت آسیب پذیر هستند. این گروه ها کودکان دارای ناتوانی، کودکان اقلیت ها و سایر گروه های محروم و به حاشیه رانده شده، «کودکان خیابان»، کودکان معارض قانون و همچنین کودکان پناهنده و آواره را شامل میشود.

32. تفاوت و نابرابری روز افزون درآمد ها، جهانی شدن، مهاجرت، شهرنشینی، مخاطرات بهداشتی، به ویژه شیوع اچ آی وی/ایدز، پیشرفت های فن آوری و درگیری های مسلحانه بر نحوه رفتار و برخورد ما با کودکان تاثیر میگذارند. پرداختن و رسیدگی به این مشکلات و چالش ها، در کنار رسیدن به اهدافی که در سطح بین المللی پذیرفته شده هستند، از قبیل اهداف توسعه هزاره، به ریشه کنی و توقف خشونت علیه کودکان کمک شایان توجهی می کند.

33. همانطور که عواملی میزان احتمال در معرض خطر خشونت قرار گرفتن کودکان را افزایش می دهند، عواملی نیز هستند که می تواند احتمال بروز خشونت را کاهش دهند و یا از بروز آن پیشگیری و ممانعت به عمل آورند. با اینکه تحقیق و پژوهش بیشتری در زمینه عوامل حمایت کننده ضروری است، این امر روشن است که ثبات بنیان واحد خانواده می تواند منبع بسیار مستحکم و قدرتمندی برای حمایت از کودکان در برابر خشونت در هر مکان و موقعیتی باشد.

34. عواملی که می تواند در خانه و سایر مکانها ضامن حمایت از کودکان در برابر خشونت شوند عبارتند از روشهای مناسب کودک پروری، ایجاد دلبستگی قوی میان والدین و کودکان و نیز تربیت مثبت عاری از خشونت. عواملی که می تواند در مدرسه باعث حمایت از کودکان در برابر خشونت شوند عبارتند از سیاست های مربوط به مدارس و برنامه های درسی موثر که از ایجاد رویکرد ها و رفتار های عاری از خشونت و به دور از تبعیض حمایت میکنند. همچنین دیده شده است که سطوح بالای انسجام اجتماعی نیز می تواند، حتی در صورت وجود سایر عوامل خطرزا، تاثیر حمایتی در برابر بروز خشونت در جوامع محلی داشته باشند.

35. در تحقیقات و پژوهش های به عمل آمده توسط سازمان جهانی بهداشت عوامل متعددی که توانایی کنار آمدن با تجربه خشونت را در کودکان تسهیل می کند شناسایی شده است.¹⁹ این عوامل عبارتند از دلبستگی کودک به یکی از اعضای بزرگسال خانواده، میزان و سطح بالای مراقبت والدین از کودکان در دوران کودکی، رابطه گرم و سرشار از حمایت از سوی یکی از والدین که نسبت به کودک خشونت اعمال نمی کند، و همچنین رابطه حمایتی همسالانی که مواد مخدر مصرف نمی کنند و مرتکب اعمال خلاف قانون نمی شوند.

¹⁹ پیشگیری از سوء رفتار با کودکان: راهنمایی برای اتخاذ اقدامات و گردآوری مدارک و مستندات قانونی (ژنو، سازمان جهانی بهداشت و جامعه بیم المللی پیشگیری از سوء استفاده از کودکان و بی توجهی به آنان، اکتبر 2006).

ت. دامنه گسترده عواقب

36. با اینکه تاثیر خشونت بر کودکان با ماهیت و شدت عمل خشونت آمیز و تجربه خشونت رابطه مستقیم دارد، عواقب و آثار کوتاه مدت و بلند مدت تجربه خشونت اغلب بسیار شدید و سنگین هستند. خشونت ممکن است به آسیب پذیری بیشتر در مقابل آسیب های اجتماعی، عاطفی و شناختی (رشدی) و همچنین رفتار های خطرناک برای سلامتی،²⁰ نظیر سوء مصرف مواد مخدر و همچنین شروع زود هنگام رفتار های جنسی منجر شود.²¹ مشکلات سلامت روان و اجتماعی ناشی از خشونت عبارتند از اضطراب و اختلالات همراه با افسردگی، توهم، اختلال در انجام کار، اختلال در حافظه و همچنین رفتار های خشن و پرخاشگرانه. قرار گرفتن در معرض خشونت در سنین پایین در سنین بالاتر می تواند به بیماری های ریوی، قلبی و کبدی، بیماری های مقاربتی و مرگ جنین در دوران بارداری و همچنین خشونت در رفتار با شریک زندگی و همچنین تلاش برای خودکشی منجر شود.²²

37. اطلاعات بسیار محدودی در زمینه هزینه ها و بار اقتصادی جهانی خشونت علیه کودکان در دست است، به ویژه در کشور های در حال توسعه. با این حال تعدد عواقب و آثار کوتاه مدت و بلند مدت خشونت علیه کودکان نشان دهنده این واقعیت است که هزینه و بار اقتصادی این معضل بسیار سنگین است. هزینه های مالی مربوط به کودک آزاری و بی توجهی نسبت به کودکان با توجه به درآمد های از دست رفته بعدی و هزینه مراقبت های مربوط به بهداشت روان در سال 2001 در آمریکا 94 میلیارد دلار تخمین زده شده است.²³

3. مکانها و شرایطی که در آنها خشونت علیه کودکان اتفاق می افتد

الف. خانه و خانواده

38. خانواده واحد گروهی اولیه و طبیعی جامعه است، همانطور که در ماده 16 اعلامیه جهانی حقوق بشر، در ماده 10 میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ماده 23 میثاق حقوق مدنی و سیاسی ذکر شده است.

²⁰ «وي جي فليتي» و سايرين، «رابطه سوء استفاده از كودك و عدم عملکرد درست ساختار خانوار با دلایل متعدد مرگ در بزرگسالان. مطالعه تجربه كودكي متفاوت (ACE)»، ژورنال آمريكايي پزشكي پيشگيرانه، جلد 14 (1998)، صفحات 245 تا 258.

²¹ مراکز كنترل و پيشگيري از بيماري، مطالعه تجربه كودكي متفاوت (آتلانتا، مراکز ملي كنترل و پيشگيري از صدمات، مراکز كنترل و پيشگيري از بيماري، 2006). مراجعه كنيد به: <http://www.cdc.gov/NCCDPHP/ACE>.

²² به پانوش قلمي مراجعه كنيد. همچنين تحقيق در زمينه سوء استفاده از كودكان و بي توجهي نسبت به آنان، كميسيون علوم اجتماعي و رفتاري و آموزش، شوراي پژوهش ملي، درك سوء استفاده از كودكان و بي توجهي نسبت به آنان (واشنگتن، دي سي، «نشنال آكادمي پرس» (National Academy Press)، 1999).

²³ «اس فروم»، «تخمين هزینه هاي كلي ناشي از سوء استفاده از كودكان و بي توجهي به آنها در ايالات متحده آمريكا --- مدارك و مستندات آمري» پيشگيري از سوء استفاده از كودكان در آمريكا؛ (شيكاگو، PCAA، 2001).

فرضیه ای که در پیمان نامه حقوق کودک آمده و در قسمت پیشگفتار این پیمان نامه ذکر شده است، این است که خانواده محیطی طبیعی برای رشد و سلامت کلیه اعضای خانواده است، به ویژه کودکان. بدین ترتیب این پیمان نامه خانواده را دارای بیشترین توان بالقوه برای حمایت از کودکان و همچنین تامین امنیت جسمی و عاطفی آنان می داند. حریم خصوصی و استقلال خانواده در کلیه جوامع محترم شمرده می شود و حق داشتن زندگی خصوصی و خانوادگی و همچنین خانه و ارتباطات و مکاتبات خصوصی در کلیه اسناد حقوقی بین المللی مربوط به حقوق بشر مورد تاکید قرار گرفته است.^{۲۴} با توجه به اینکه خانواده از خصوصی ترین حریم های خصوصی است، ریشه کن نمودن و پرداختن به مساله خشونت علیه کودکان در خانواده شاید چالش برانگیز ترین و دشوار ترین مقوله باشد. با این حال حق زندگی، بقاء، کرامت و شان انسانی و همچنین تمامیت و امنیت جسمی برای کودکان در آستانه در خانه متوقف نمی شود و علاوه بر این تعهدات و وظایف دولت و حکومت نیز برای تضمین و حصول اطمینان از تحقق این حقوق در داخل خانه و خانواده نیز به قوت خویش باقی است.

39. در دهه های اخیر شیوع و فراگیری خشونت علیه کودکان توسط والدین و سایر اعضای نزدیک خانواده - خشونت جسمی، جنسی و روانشناختی، همچنین بی توجهی عمدی - تأیید شده و به طور مستند ثبت شده است. کودکان از دوران نوزادی تا سن 18 سالگی در برابر انواع خشونت در خانه های خود آسیب پذیر هستند. عوامل خشونت بر اساس سن و سال و میزان بلوغ قربانی خشونت، متفاوت هستند و ممکن است والدین، پدرخوانده یا مادرخوانده، والدین جایگزین، خواهران و برادران یا سایر اعضای خانواده و یا مراقبین کودک باشند.

40. بسیاری از موارد خشونت جسمی علیه کودکان در خانواده مرگبار و کشنده نیست و در اغلب موارد آثار و صدمات ماندگار و قابل رویتی نیز به جا نمی گذارد. با این حال برخی از موارد خشونت علیه کودکان خردسال در خانواده باعث صدمات دائمی و ماندگار و یا حتی مرگ می شود و اگر چه ممکن است عوامل این خشونت با هدف وارد نمودن اینگونه صدمات مرتکب خشونت نشوند. تحقیقات به عمل آمده در کشور های مختلف نشان دهنده این است که «سندروم کودکان تکان داده شده» - سوء رفتار با کودکان خردسال از طریق تکان های شدید - به طور عمده به صدمات سر و صدمات شدید به مغز منجر می شود.^{۲۵}

41. خشونت علیه کودکان در خانواده ممکن است در چارچوب تربیت کردن کودک اتفاق بیافتد و اشکال مختلفی نظیر تنبیهات خشن یا تحقیرآمیز جسمی به خود بگیرد.^{۲۶} رفتار یا تنبیه خشن در خانواده هم در کشورهای صنعتی و هم در کشورهای در حال توسعه اتفاق می افتد. کودکان همانطور که در مطالعات مختلف

²⁴ به عنوان مثال به مقاله 8 برای حمایت از حقوق بشر و آزادی های اولیه، و مقاله 17 از میثاق حقوق مدنی و سیاسی مراجعه کنید.

²⁵ «او فلادمارک»، «تصویر برداری از کودکانی که مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند و کتک زده شده اند»، «ریویستا نورورادیولوژی» (Rivista di Neuroradiologia)، جلد 17 (2004)، صفحات 434 تا 436.

²⁶ «جی ای دورانت»: «تنبیه بدنی: شیوع، عوامل پیش بینی کننده و تأثیرات در رفتار و رشد کودک»، در «اس ان هارت» (تدوین و ویرایش)، ریشه کنی تنبیه بدنی (پاریس، یونسکو (UNESCO)، 2005) صفحات 52 و 53.

ذکر شده است خودشان در مشاوره های منطقه ای ذکر کردند، بر آسیب و صدمات جسمی و روانی که در اثر این گونه رفتارها متحمل می شوند تاکید نمودند و راه حل ها و روش های تربیتی مثبت و جایگزینی را برای تنبیه پیشنهاد کردند.^{۲۷}

42. خشونت جسمی اغلب با خشونت روانی همراه است. توهین، نام های تحقیر آمیز، تنها گذاشتن، از خود راندن، تهدید، بی توجهی و بی تفاوتی عاطفی و تحقیر کردن همگی از انواع رفتارهای خشونت آمیزی هستند که می توانند آسیب های غیر قابل جبرانی به رشد و سلامت روانی کودک وارد کنند به ویژه هنگامی که از سوی یک بزرگسال محترم برای کودک مانند یکی از والدین سر می زند. بسیار مهم است که والدین تشویق شوند که از روش های خاص عاری از خشونت کودکان خود را تربیت و تمشیت کنند.

43. بی توجهی و از جمله موفق نبودن در پرداختن و رسیدگی به نیازهای جسمی و عاطفی کودک، حمایت و محافظت از آنها در برابر خطرات، و یا تهیه دارو و سایر خدمات در زمان نیاز کودک، به مرگ کودکان خردسال منجر می شود. در برخی مناطق عدم تعادل و نابرابری نسبت جنسیتی کودکان دختر و پسر که مورد خشونت قرار می گیرند بیانگر این مطلب است که دختران به طور ویژه در معرض خطر بی توجهی و همچنین خشونت قرار دارند. همچنین معلولیت کودک احتمال بی توجهی نسبت به وی را افزایش می دهد. این احتمال وجود دارد که کودکان دچار ناتوانی رها شوند، عملی که در برخی موارد ممکن است قابل قبول تلقی شود و حتی مورد تشویق قرار گیرد.^{۲۸}

44. موارد خشونت جنسی در خانه ها به طور روز افزون در حال تایید است. مرور کلی مطالعات انجام شده در 21 کشور (بیشتر کشورهای توسعه یافته) نشان می دهد که 7 تا 36 درصد زنان و 3 تا 29 درصد مردان این طور گزارش نمودند که در زمان کودکی قربانی خشونت جنسی واقع شده اند و بر اساس اکثر مطالعات، دختران بین 1/5 تا 3 برابر بیشتر از مردان و پسران مورد خشونت و سوء استفاده جنسی قرار می گیرند. بیشتر این موارد سوء استفاده در کانون خانواده اتفاق افتاده است.^{۲۹} بر همین منوال، یک مطالعه بین کشوری که توسط سازمان جهانی بهداشت (WHO) در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه انجام شده است، حاکی از این است که

²⁷ پایگاه اینترنتی مربوط به مطالعه دبیر کل سازمان ملل متحد در زمینه خشونت علیه کودکان (<http://www.violencestudy.org/r27>)، اتحادیه بین المللی «سیو د چیلدرن» (Save the Children)، پایان دادن به تنبیه های فیزیکی / جسمی و تحقیر آمیز - تحقق بخشیدن به این امر، قسمت 1. اطلاعات ارائه شده به برنامه مطالعه خشونت علیه کودکان دبیر کل سازمان ملل متحد (استکهلم، «سیو د چیلدرن سوئد» (Save the Children Sweden)، 2005).

²⁸ مطالعه دبیر کل سازمان ملل متحد در زمینه خشونت علیه کودکان، بازبینی منطقه ای: خشونت علیه کودکان در آفریقای غربی و مرکزی، 2005، صفحه 11.

²⁹ «دی فینکلور»، «اپیدمیولوژی بیم المللی سوء استفاده جنسی از کودکان»، سوء استفاده از و بی توجهی نسبت به کودکان، جلد 18، شماره 5 (2005)، صفحات 409 تا 417.

بین 1 تا 21 درصد زنان اذعان داشته اند که قبل از رسیدن به سن 15 سالگی توسط یکی از اعضای مذکر خانواده، به غیر از پدر و یا ناپدری، مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته اند.³⁰

45. فقدان حداقل سن قانونی برای قبول آگاهانه و داوطلبانه مقاربت جنسی و همچنین قبول ازدواج در برخی کشورها می تواند زمینه ساز قرار گرفتن کودکان در معرض خطر خشونت از سوی شریک زندگی باشد. تخمین زده می شود که 82 میلیون دختر قبل از رسیدن به سن 18 سال ازدواج می کنند.³¹ تعداد زیادی از این دختران در سنین بسیار پایین تر ازدواج می کنند، که اغلب با اعمال فشار و زورگویی به این کار تن می دهند، و تا حد زیادی در معرض خطر خشونت، از جمله الزام به مقاربت جنسی، قرار می گیرند.

46. رسوم سنتی مضر بطور یکسان بر کلیه کودکان تاثیر نمی گذارد و به طور کلی در سنین پایین از طریق والدین و یا افراد شاخص جامعه محلی به آنان تحمیل می شود. به گفته گزارشگر ویژه در زمینه رفتارهای سنتی که بر سلامتی زنان و کودکان دختر تاثیر می گذارد، ختنه دختران، که بر اساس اعلام سازمان جهانی بهداشت به طور روز افزون بر روی دختران کم سن تر انجام می شود، در آفریقا بسیار شایع است و همچنین در مناطقی از آسیا و نیز در میان جوامع مهاجر در اروپا، استرالیا، کانادا و ایالات متحده آمریکا انجام می شود.³² در مورد سایر اعمال سنتی که بر سلامتی کودکان تاثیر می گذارند می توان به بستن، زخمی کردن بدن کودک به طوری که اثر زخم باقی بماند، سوزاندن، داغ زدن، مراسم پذیرش همراه با خشونت، چاق نمودن کودک، ازدواج اجباری، جرائم ناموسی، و خشونت مربوط به جهیزیه، جن گیری و «جادوگری» اشاره نمود.

47. تخمین زده می شود که سالانه به طور متوسط بین 133 تا 275 میلیون کودک در جهان شاهد خشونت خانگی هستند.³³ قرار گرفتن کودکان در معرض خشونت به طور مداوم در خانه هایشان به طور معمول در اثر دعواها و مشاجرات والدین و یا مادر با شریک زندگی، می تواند به شدت بر سلامت کودک، رشد شخصی و

³⁰ مطالعه در زمینه خشونت خانگی و سلامتی زنان در چند کشور، ذکر شده در پانوشت 7.

³¹ «جی بروس»، «دختران نوجوان متاهل؛ حقوق بشر، نیازهای مربوط به سلامت و رشد اکثریت به حاشیه رانده شده و مورد بی توجهی واقع شده»، مقاله ارائه شده توسط شورای جمعیت در مراسم برگزار شده برای حمایت: ازدواج زود هنگام در چارچوب حقوق بشر، جلسه ویژه سازمان ملل متحد در زمینه کودکان، 8 تا 10 ماه می سال 2002.

³² کمیسیون در زمینه پیشبرد و حمایت از حقوق بشر، زیر مجموعه اصلی کمیسیون سابق حقوق بشر، مسائل موضوعی متعددی را که به مساله خشونت علیه کودکان در سال های اخیر مربوط می شود مورد مطالعه و بررسی قرار داده است. گزارشگر ویژه در زمینه رفتاری های سنتی که بر سلامتی زنان و کودکان دختر تاثیر می گذارد، «حمیلا امبارک ورزازی»، به طور ویژه بر موضوع ختنه دختران (FGM) تمرکز کرده است. به طور مثال به گزارش نهم و نهمی او در زمینه وضعیت ریشه کنی اعمال سنتی که بر سلامتی زنان و کودکان

دختر تاثیر می گذارد، رجوع کنید. (E/Cn.4/Sub.2/2005/36).

³³ تخمین بر اساس اطلاعات ارائه شده توسط بخش جمعیت سازمان ملل متحد در زمینه جمعیت زیر 18 سال در سال 2000 و مطالعات مربوط به خشونت خانگی از سال 1987 تا سال 2005. «بشت درهای بسته: تاثیر خشونت خانگی بر کودکان (لندن، یونیسف و «بادی شاپ انترنشنال»، 2006).

تعامل اجتماعی او در دوران کودکی و بزرگسالی تاثیر بگذارد.³⁴ اعمال خشونت نسبت به شریک زندگی همچنین خطر اعمال خشونت علیه کودکان در خانواده را افزایش می دهد، و مطالعات انجام شده در چین، کلمبیا، مصر، مکزیک، فیلیپین، آفریقای جنوبی نشان دهنده رابطه قوی میان خشونت علیه زنان و خشونت علیه کودکان است.³⁵ مطالعه ای که در هند انجام شده است نشان می دهد خشونت خانگی در خانه میزان خشونت علیه کودکان را به میزان دو برابر افزایش می دهد.³⁶

«با این دو دست مادرم مرا درآغوش می کشد، از من مراقبت می کند، این را دوست دارم... با همین دو دست، مادرم مرا کتک می زند - از این بیزارم.»

دختر نوجوان، شرق آسیا³⁷

ب. خشونت در مدارس و محیط های آموزشی

48. در بسیاری از کشورها کودکان در محیط های آموزشی بیش از هر جای دیگری در بیرون از خانه تحت مراقبت بزرگسالان هستند. مدارس نقش بسیار مهمی در حمایت از کودکان در برابر خشونت دارند. بزرگسالانی که در محیط های آموزشی کار می کنند و یا در این مکان ها مدیریت و نظارت می کنند وظیفه دارند محیطی امن ایجاد کنند که در آن از عزت نفس و رشد کودکان حمایت شود.

49. بسیاری از کودکان در محیط آموزشی در معرض خشونت قرار می گیرند و یا خشونت را یاد می گیرند. برداشت عمومی از خشونت در مدارس با تمرکز رسانه ها بر روی موارد خاص و نادر مانند تیراندازی و آدم ربایی شکل گرفته است. با این حال احتمال مرگ و صدمات و جراحات شدید و جدی ناشی از خشونت در مدارس کمتر از خانه و یا محیط های دیگر اجتماعی است.

³⁴ «ال ای مک کلسکی»، «ای جی فیگورودو» و «ام پی کاس»، «تاثیر خشونت خانوادگی مداوم بر سلامت روانی کودکان»، رشد کودک، جلد 66 (1995)، صفحات 239 تا 1261 ذکر شده در در پانوشت مربوط به «کروگ» در پانوشت 1، صفحه 103؛ و «اس آر دوب» و سایرین، «قرار گرفتن در معرض سوء استفاده، بی توجهی و عملکرد نامطلوب ساختار خانوادگی در میان بزرگسالانی که در دوران کودکی شاهد خشونت شریک زندگی والدین خود بوده اند: تاثیرات بر خدمات بهداشتی و اجتماعی»، خشونت و قربانیان آن، جلد 17، شماره 1 (2002)، صفحات 3 تا 17.

³⁵ «کروگ» ذکر شده به پانوشت 1، صفحه 68.

³⁶ «دبلیو ام هانتر» و سایرین، «عوامل خطرزا در رفتار های افراطی مربوط به ادب کردن کودکان در مناطق روستایی هند»، ژورنال روانشناس کودک، جلد 25 (2000)، صفحات 435 تا 447.

³⁷ اتحادیه بین المللی «سیو د چیلدرن»، اتحادیه بین المللی «سیو د چیلدرن» (Save the Children)، پایان دادن به تنبیه های فیزیکی / جسمی و تحقیر آمیز - تحقق بخشیدن به این امر، قسمت 1. اطلاعات ارائه شده به برنامه مطالعه خشونت علیه کودکان دبیر کل سازمان ملل متحد (استکهلم)، «سیو د چیلدرن سوئد» (Save the Children Sweden)، (2005).

50. خشونت اعمال شده توسط معلمان و سایر کارکنان مدارس، که معمولاً با، یا بدون تأیید صریح و یا ضمنی مقامات آموزشی و سایر مقاماتی که بر محیط‌های آموزشی و مدارس نظارت دارند انجام می‌شود شامل تنبیه بدنی، روش‌های تنبیه روانی خشن و یا تحقیرآمیز، خشونت جنسیتی و مبتنی بر جنسیت و زورگویی می‌شود. تنبیه بدنی از قبیل کتک زدن و زدن چوب به بدن از جمله روش‌های استاندارد تنبیه در تعداد زیادی از کشورها است. طبق پیمان نامه حقوق کودک کشورها و دولت‌های عضو موظف هستند که کلیه اقدامات مقتضی را اتخاذ نمایند تا از اینکه تربیت کودکان در مدارس مطابق با معیارهای پیمان نامه انجام شود اطمینان حاصل نمایند. بنا بر گزارش "جنبش جهانی برای پایان دادن به تنبیه بدنی کودکان"، تنبیه بدنی کودکان در مدارس در 102 کشور ممنوع اعلام شده است ولی اجرای این قانون ناهمگون است.³⁸

51. خشونت در مدارس به شکل دعوا و زورگویی میان دانش‌آموزان نیز اتفاق می‌افتد.³⁹ در برخی جوامع رفتار پرخاشگرانه، از جمله دعوا کردن، به طور عمده یک مشکل ناچیز و بی‌اهمیت انضباطی تلقی می‌شود. زورگویی اغلب به تبعیض نسبت دانش‌آموزان از خانواده‌های مستمند و محروم و یا گروه‌های قومی به حاشیه رانده شده و یا به خصوصیات و ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان (مانند ظاهر، و یا ناتوانی جسمی یا ذهنی) ارتباط داده می‌شود. زورگویی بیشتر به صورت لفظی صورت می‌گیرد ولی در مواردی خشونت جسمی نیز اتفاق می‌افتد. همچنین مدارس تحت تأثیر اتفاقات جامعه اطراف نیز قرار می‌گیرند، به عنوان مثال، افزایش موارد فرهنگ گروه‌های تبهکاری و فعالیت‌های غیرقانونی این گروه‌ها به ویژه در ارتباط با مواد مخدر.⁴⁰

52. خشونت جنسی و مبتنی بر جنسیت نیز در محیط‌های آموزشی روی می‌دهد. بسیاری از این موارد خشونت که معلمان یا دانش‌آموزان مذکر عامل آن هستند متوجه دختران است. همچنین در بسیاری از کشورها و مناطق، خشونت روزافزون به سوی هم‌جنس‌بازان و افراد دوجنسیتی و افرادی که تمایل به مقاربت با هم‌جنس و نیز غیر هم‌جنس دارند معطوف شده است. عدم موفقیت دولت‌ها در اجرای قوانین و مواد قانونی آن که بخصوص دانش‌آموزان را در برابر تبعیض حمایت می‌کند نیز به تسهیل در روی دادن خشونت جنسی و مبتنی بر جنسیت منجر می‌شود.

ب. خشونت در مراکز مراقبت و سیستم‌های قضائی

38 خلاصه وضعیت حقوقی / قانونی جهانی در زمینه تنبیه بدنی کودکان، ذکر شده در پانوش 6.

39 «دی اولونوس»، زورگویی در مدارس: مطالبی که می‌دانیم و کارهایی که می‌توان انجام داد (انتشارات آکسفورد، انتشارات بلک ول، 1993).

40 برنامه مطالعه خشونت علیه کودکان دبیر کل سازمان ملل متحد، گزارش نتایج مشاوره‌های منطقه‌ای: منطقه کارائیب، «پورت او اسپین»، ماه مارس سال 2005.

53. میلیون ها کودک به ویژه کودکان پسر، قسمت قابل توجهی از عمر خود را تحت کنترل و نظارت مقامات مراقبت اجتماعی و یا سیستم قضائی به سر می برند و در مراکزی مانند پرورشگاه ها، خانه های کودکان، خانه های مراقبت، بازداشتگاه های پلیس، زندان ها، بازداشتگاه های خاص نوجوانان و جوانان، و مدارس و مراکز اصلاح و تربیت می گذرانند.⁴¹ این کودکان در معرض اعمال خشونت از سوی کارکنان و مقاماتی که مسئول سلامت آنان هستند قرار دارند. در اکثر کشور ها تنبیه بدنی در چنین مراکزی به صورت صریح ممنوع نیست.

54. شرایط نامناسب و تعداد زیاد افراد در این مراکز، بدنمایی و انگ هایی که جامعه به این افراد می زند، تبعیض و همچنین کارکنان با سطح آگاهی و آموزش پایین، احتمال بروز خشونت را افزایش می دهد. شکایت از سوی افرادی که در این مراکز به سر می برند معمولا به جایی نمی رسد و مکانیسم های پایش و بازرسی موثر، و همچنین مدیریت و نظارت کافی دولتی معمولا در این مراکز اعمال نمی شود. کلیه عواملان خشونت علیه کودکان مسئول شناخته نمی شوند و به مجازات نمی رسند و این امر فرهنگ فرار از مجازات و تحمل خشونت علیه کودکان را ایجاد می کند. به سر بردن در چنین مراکزی بیش از تجربه خشونت بر کودکان تاثیر می گذارد. از آثار بلند مدت فرار گرفتن در چنین محیط هایی می توان به تاخیر های شدید در مراحل رشد، ناتوانی و معلولیت، صدمات غیرقابل جبران روانی و افزایش نرخ خودکشی و تکرار جرم اشاره نمود.

55. تعداد 8 میلیون کودک در جهان در مراکز نگهداری از کودکان به سر می برند.⁴² نسبتا تعداد کمی از این کودکان به علت از دست دادن والدین خود در این مراکز به سر می برند بلکه اغلب به علت ناتوانی و معلولیت، فروپاشی خانواده، خشونت در خانه و یا شرایط اجتماعی و یا اقتصادی، از جمله فقر، در این مراکز به سر میبرند.

56. از موارد خشونت اعمال شده از سوی کارکنان این گونه مراکز، به منظور «تادیب» کودکان، می توان به کتک زدن با دست، چوب و یا شلنگ های پلاستیکی، و کوبیدن سر کودکان به دیوار، انداختن کودکان در کیسه های پارچه ای، بستن آنها به وسائل موجود مانند صندلی، زندانی کردن آنها در اتاق های سرد برای چندین روز و همچنین رها کردن کودک تا در مدفوع خود بخوابد اشاره نمود.⁴³

⁴¹ لطفا توجه کنید که به وضعیت سایر کودکانی که تحت حمایت و نگهداری دولت ها هستند مانند پناهندگان و کودکان مهاجر و همچنین وضعیت کودکانی که در زمان صلح در ارتش ها هستند با جزئیات در مطالعه فراگیر و عمیق در زمینه خشونت پرداخته شده است.

⁴² «دی تولفري»، سقف ها و ریشه ها: مراقبت از کودکان جدا شده در دنیای در حال توسعه. (لندن، «سیو د چیلدرن» انگلستان، 1995) ذکر شده در اتحادیه بین المللی «سیو د چیلدرن»، آخرین راه حل: افزایش نگرانی در مورد کودکان در مراکز نگهداری (لندن، «سیو د چیلدرن» انگلستان، 2003)، صفحه 15.

⁴³ بازبینی منطقه ای برنامه مطالعه خشونت علیه کودکان دبیر کل سازمان ملل متحد: منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (2005)، صفحه 19: حقوق بین المللی ناتوانی ذهنی، رنج های پنهان: جداسازی و سوء رفتار با کودکان دچار معلولیت و ناتوانی در رومانی. (واشنگتن، دی سی، حقوق بین المللی ناتوانی ذهنی، 2006).

57. در مراکز نگهداری، این احتمال وجود دارد که کودکانی که دچار ناتوانی هستند تحت عنوان درمان در معرض خشونت قرار گیرند. در برخی موارد کودکان 9 ساله بدون استفاده از آرامش بخشی عضلات و بی هوشی تحت درمان با شوک الکتریکی (ECT) قرار گرفته اند.⁴⁴ همچنین این احتمال وجود دارد که تحت عنوان درمان انزجار از شوک الکتریکی به منظور کنترل رفتار کودکان استفاده شود. ممکن است از دارو های خاص برای کنترل کودکان و افزایش حالت اطاعت در آنها استفاده شود که این خود می تواند توانایی آنها برای دفاع از خود در برابر خشونت را کاهش دهد.⁴⁵

58. بی توجهی نیز یکی دیگر از ویژگی های بسیاری از مراکز نگهداری کودکان است که در آنها شرایط به حدی نامناسب است که سلامتی و جان کودکان در معرض خطر قرار می گیرد. در بسیاری از مراکز مخصوص نگهداری کودکان دچار ناتوانی برنامه های مربوط به آموزش، تفریح، بازپروری و سایر برنامه ها وجود ندارد. کودکان دچار ناتوانی اغلب برای مدت های طولانی در تختخواب ها و یا گهواره های خود رها می شوند و هیچ گونه تماس و رابطه انسانی که محرک احساسات و عواطف آنها باشد با آنها برقرار نمی شود. این امر می تواند به آسیب های شدید جسمی، ذهنی و روانی منجر شود.

59. کودکانی که در مراکز نگهداری به سر می برند اغلب در برابر اعمال خشونت توسط سایر کودکان آسیب پذیر هستند به ویژه هنگامی که شرایط کارکنان و نظارت بر آنها در حد مناسب و مطلوبی نیست و کودکان بزرگتر و خشن تر از کودکان کم سن و سال تر و آسیب پذیر تر جدا نشده باشند. در برخی موارد مکن است خود کارکنان کودکان را تنبیه کنند و یا خشونت و سوء رفتار بین همسالان را تشویق نمایند.

60. با اینکه این امر صراحتاً در میثاق حقوق مدنی و سیاسی و همچنین پیمان نامه حقوق کودک ممنوع اعلام شده است هنوز در برخی کشور ها افراد معارض قانون زیر 18 سال به مجازات اعدام محکوم می شوند. در حال حاضر حداقل در 31 کشور برای اعمال معارض قانون کودکان، اجرای تنبیه بدنی مجاز شمرده می شود و در صدور حکم لحاظ می شود،⁴⁶ که در برخی از کشور ها مواردی نظیر زدن با چوب، شلاق زدن، سنگسار نمودن و قطع اعضای بدن را شامل می شود.

61. با وجود تعهد دولت ها و کشور های عضو مبنی بر اینکه مطابق ماده 37 پیمان نامه حقوق کودک دوران بازداشت کودکان باید تا حد امکان کوتاه باشد و از بازداشت و حبس به عنوان آخرین راه حل استفاده شود،

44 حقوق بین المللی ناتوانی ذهنی، در پشت در های بسته: نقض حقوق بشر در مراکز درمانی روانپزشکی، پرورشگاه ها و مراکز بازپروری در ترکیه (واشنگتن، دی سی، حقوق بین المللی ناتوانی ذهنی، 2005).

45 برنامه مطالعه خشونت علیه کودکان دبیر کل سازمان ملل متحد. گزارش خلاصه، جلسات موضوعی در زمینه خشونت علیه کودکان، به تاریخ 28 جولای سال 2005 (نیویورک، یونیسف، 2005)، صفحه 18.

46 خلاصه جهانی وضعیت حقوقی / قانونی تنبیه بدنی کودکان، ذکر شده در پانوشت 6.

تخمین زده می شود که در سال 1999، یک میلیون کودک از آزادی محروم شدند.⁴⁷ بسیاری از این کودکان به ارتکاب بزه های بسیار کوچک و ناچیز و برای بار اول متهم شده اند. بسیاری از این کودکان به دلیل تکدی گری، ولگردی و یا بی خانمان بودن بازداشت و حبس شده اند. در برخی کشورها اغلب کودکانی که بازداشت شده و در حبس به سر می برند جرمی مرتکب نشده اند ولی در انتظار محاکمه هستند.⁴⁸

62. کودکانی که در بازداشت به سر می برند اغلب تحت عنوان کنترل یا تنبیه در معرض خشونت از سوی کارکنان مراکز هستند و اغلب این تنبیه برای لغزش های بسیار کوچک است. حداقل در 77 کشور تنبیه بدنی و سایر انواع تنبیه خشونت آمیز به عنوان اقدامی قابل قبول در مراکز حبس تادیبی تلقی می شوند.⁴⁹ کودکان ممکن است کتک زده شوند، با چوب زده شوند، دست و پای آنها بسته شود و یا در معرض سایر انواع رفتاری های تحقیرآمیز قرار گیرند مثلاً ممکن است آنها را وادار کنند که لباس های خود را از تن خارج کنند و سپس آنها را در مقابل دیدگان سایر افراد زندانی با چوب بزنند. دخترانی که در مراکز تادیبی با کارکنان و نگهبان های مذکر هستند، بیشتر در معرض خطر خشونت جسمی و جنسی هستند.⁵⁰

63. مطابق مفاد پیمان نامه حقوق کودک قوانین بسیاری از کشورها ایجاب می کند که کودکانی که قانون را نقض می کنند در مراکز جداگانه نگهداری شوند تا از آزار و سوء استفاده از آنها توسط بزرگسالان پیشگیری به عمل آید. با این حال بازداشت و حبس کودکان به همراه بزرگسالان در بسیاری از کشورها معمول است. همچنین کودکانی که در حبس به سر می برند در معرض خطر آسیب رسانی به خود و خودکشی هستند به ویژه هنگامی که برای مدت طولانی و نامعلوم حبس می شوند، یا به تنهایی و جدا از دیگران به سر می برند و نیز هنگامی که در مراکز مخصوص بزرگسالان حبس می شوند.

«ولش که زندانی می شی هر روز به اندازه یک سال به نظر می رسه. ولی بعد از 10 روز عادت می کنی و دیگه زیاد گریه نمی کنی.»
پسری در زندان خاص جوانان⁵¹

ت. خشونت در محیط کار

⁴⁷ «جی کاپلان» و «ای گرانیان»، *Jeunesse (Liege)، Enfants privés de liberte: droits et realites*، نگارش (2000، et Droit).

⁴⁸ «اف مارتین» و «جی پری-ویلیامز»، حق از دست ندادن امید (لندن، «سیو د چیلدرن» انگلستان، 2005).

⁴⁹ خلاصه جهانی وضعیت حقوقی / قانونی تنبیه بدنی کودکان، ذکر شده در پانوش 6.

⁵⁰ گزارش مخبر ویژه خشونت علیه زنان در ماموریت به ایالات متحده آمریکا در زمینه موضوع خشونت علیه زنان در زندان های ایالتی و فدرال (E/CN.4/1999/68/Add.2)، پاراگراف 55 و 58.

⁵¹ «ام گروندال»، یک روز در زندان – مثل یک سال به نظر می رسد: کودکان فلسطینی تعریف می کنند («سیو د چیلدرن»، استکهلم، 2003).

64. اطلاعات بسیار محدودی در مورد خشونت علیه کودکان کار وجود دارد به ویژه آنهایی که در بخش های غیر رسمی کار می کنند.^{۵۲} مطابق با استاندارد های بین المللی از جمله پیمان نامه شماره 138 (1973) سازمان بین المللی کار در زمینه حداقل سن اشتغال، کودکانی که زیر حداقل سن اشتغال هستند نباید به کار گمارده شوند. در کلیه مناطق جهان، خشونت - اعم از جسمی، جنسی و روانی - به صورت قانونی و غیرقانونی متوجه میلیون ها کودکی است که کار می کنند. این خشونت ممکن است برای الزام کودک به کار، به منظور تنبیه یا کنترل او در محل کار اعمال شود. برخی از انواع کار غیرقانونی تحت عنوان «بدترین اشکال کار کودک» شناسایی شده اند و بنا بر این به کار گماردن کودک در این گونه کار ها اعمال خشونت علیه کودک تلقی می شود.

65. اطلاعات موجود در زمینه اعمال خشونت علیه کودکان در محیط کار نشان دهنده این است که در بیشتر موارد خشونت از سوی «کارفرما» بر کودکان اعمال می گردد و سایر عاملان خشونت علیه کودکان کار شامل همکاران، مشتریان، سرکارگران و افراد ناظر بر کار، پلیس، گروه های بزهکار و در مورد استثمار جنسی، پانداها می شود.

66. بزرگترین زمینه اشتغال برای دختران زیر 16 سال کار در خانه ها است^{۵۳} که در اغلب موارد به شکل اشتغال غیر قانونی و استثمار و در برخی موارد به بندگی یا بردگی تبدیل می شود.^{۵۴} در تعدادی از کشور ها بر اساس کنوانسیون شماره 182 (1999) سازمان بین المللی کار در زمینه ممنوعیت و اقدام فوری برای پایان بخشیدن به بدترین اشکال کار کودک این نوع کار کودکان در زمره «بدترین نوع کار» تلقی می شود.^{۵۵} کودکان کار موارد سوء رفتاری از قبیل تنبیه جسمی، رفتار تحقیرآمیز و مزاحمت جنسی گزارش می کنند، و کودکانی که در خانه ها کار می کنند اظهار می کنند که به طور مداوم تحقیر می شوند.^{۵۶} اغلب موارد خشونت جسمی و

52 بازبینی منطقه ای برنامه مطالعه خشونت علیه کودکان دبیر کل سازمان ملل متحد: منطقه شرق آسیا و اقیانوسیه (2005): همین ماخذ، خاورمیانه و شمال آفریقا (2005)؛ همین ماخذ، آمریکای لاتین (2005).

53 کار کودکان: هدف قرار دادن حمله به مساله غیر قابل تحمل. گزارش ارائه شده به هشتاد و ششمین جلسه کنفرانس بین المللی کار (ژنو، دفتر کار بین المللی، 1998).

54 سوء استفاده و سوء رفتار علیه کودکانی که در السالوادور در خانه ها کار می کنند، گزارش حافظ حقوق بشر، جلد 16 شماره 1(B) (2004)، همیشه در دسترس: سوء استفاده و سوء رفتار علیه کودکانی که در اندونزی در خانه ها کار می کنند گزارش حافظ حقوق بشر، جلد 17 شماره 7(C) (2005)؛ حافظ حقوق بشر، در داخل خانه، خارج از قانون: سوء استفاده و سوء رفتار علیه کودکانی که در مراکش در خانه ها کار می کنند، گزارش حافظ حقوق بشر، جلد 17 شماره 12(E) (2005)؛ و «تی بلانشت»، معصومیت از دست رفته، کودکی به سرقت رفته (داکا، «یونیورسیتی پرس لیمیتد»، 1998).

55 دست های کمک رسان یا زندگی های در بند شده؟ درک کار کودکان در خانه و پاسخ سریع به این موضوع (ژنو، سازمان بین المللی کار / برنامه بین المللی برای پایان بخشیدن به کار کودک، 2004).

56 کودکانی که در خانه ها کار می کنند: راهنمای روش مناسب برای مداخلات در برنامه ها (لندن، سازمان بین المللی مبارزه با برده داری، 2005)، صفحات 5 و 6.

روانی علیه کودکانی که در خانه ها کار می کنند از سوی زنان اعمال می شود (اغلب کارفرما)، ولی دختران معمولاً در معرض خشونت جنسی از سوی اعضای مذکر خانواده کارفرمای خود قرار می گیرند.^{۵۷}

67. استعمار کودکان زیر 18 سال در فحشا و هرزه نگاری و فعالیت های مشابه از مصادیق خشونت هستند.^{۵۸} تخمین زده می شود که 1 میلیون کودک سالانه وارد این گونه فعالیت ها می شوند.^{۵۹} بسیاری از این کودکان ربوده می شوند، به انجام این فعالیت ها مجبور می شوند، فروخته می شوند و یا برای انجام این فعالیت ها فریب داده می شوند و یا قربانی قاچاق کودک می شوند. علاوه بر خشونت جنسی که در فحشای کودکان مستتر است، دختران و پسرانی که در فحشا و زمینه های مربوطه گرفتار می شوند به طور مداوم در معرض خشونت جسمی و روانی و نیز بی توجهی قرار می گیرند. در اغلب موارد این کودکان امکان درخواست کمک ندارند^{۶۰} و اگر به مرجعی مراجعه کنند ممکن است مانند افراد مجرم و قانون شکن با آنها برخورد شود، از آزادی محروم شوند و خسارت بسیار اندکی به آنها پرداخت شود.

68. کار اجباری کودکان هنوز در بسیاری از نقاط جهان رایج است. کودکانی که چنین کارهای اجباری را انجام می دهند به ندرت قادر هستند که از خود در برابر اعمال خشونت کارفرمایان و یا سایر کارگران محافظت کنند و مطالعات و شهادت های کودکان نشان می دهند که کلیه انواع خشونت در چنین محیط هایی به وفور اعمال می شود و شایع است. همچنین خشونت گریبانگیر دهها هزار کودکی است که در اشکال سنتی بردگی مورد سوءاستفاده قرار می گیرند که هنوز در برخی از نقاط جهان رایج است.

ث. خشونت در جامعه

69. برای کودکان جامعه محلی یکی از منابع حمایت و اتحاد است ولی می تواند محلی برای اتفاق افتادن انواع خشونت از جمله خشونت همسالان، خشونت مرتبط با سلاح های گرم و سایر انواع سلاح ها، خشونت باندها، خشونت پلیس، خشونت جسمی و جنسی، ربوده شدن و قاچاق کودک باشد. همچنین خشونت ممکن است در ارتباط با رسانه های گروهی و همچنین فن آوری های جدید اطلاعات و مخابراتی باشد. کودکان بزرگتر بیشتر در معرض خطر خشونت در جامعه و دختران بیشتر در معرض خطر خشونت جنسی و خشونت مبتنی بر جنیست می باشند.

⁵⁷ «جی بلگرو»، «خشونت علیه کودکانی که در خانه ها کار می کنند» مقاله ارائه شده توسط سازمان بین المللی مبارزه با برده داری، در کارگاه «سیو د چیلدرن»، تایلند، سپتامبر 2003).

⁵⁸ برای مطالعه کامل تر در مورد مفهوم استعمار جنسی تجاری کودکان به اعلامیه کنگره جهانی مبارزه با استعمار جنسی تجاری کودکان، استکهلم، ژوئن سال 1996 مراجعه کنید. آدرس پایگاه اینترنتی:

<http://www.csecworldcongress.org/>

⁵⁹ کسب سود و سوء استفاده: گزارش در زمینه استعمار جنسی تجاری کودکان (نیویورک، یونیسف، 2001)، صفحه 20.

⁶⁰ اتحادیه بین المللی «سیو د چیلدرن»، 10 نکته مهم برای فراگیری: به موارد سوء استفاده جنسی از دختران و پسران گوش فرا دهید و علیه آن صحبت کنید. ارائه گزارش به مطالعه سازمان ملل متحد در زمینه خشونت علیه کودکان (اسلو، «سیو د چیلدرن» نروژ، 2005)، صفحه 58.

70. ممکن است برای بعضی از کودکان رفتن از خانه به مدرسه و از مدرسه با خانه اولین تجربه روبرو شدن با جامعه محلی به تنهایی باشد؛ همچنین می تواند اولین تجربه قرار گرفتن در معرض خطرات موجود در جامعه برای آنها باشد. بعضی دیگر از کودکان در حین انجام کار های خانگی از قبیل آوردن آب، سوخت، غذا و یا در هنگام غذا دادن به حیوانات خانگی در معرض این گونه خطرات قرار می گیرند. انجام این گونه کار ها، که اغلب ممکن است مستلزم پیاده روی های طولانی باشد، معمولاً در مناطق روستایی در کشور های در حال توسعه بر عهده دختران است.⁶¹

71. افزایش ناگهانی و شدید میزان نرخ خشونت (هم قربانی خشونت واقع شدن و هم عامل آن بودن) به ویژه در میان پسران حدوداً 15 ساله، نشان دهنده این است که تعدادی از عوامل در دوران نوجوانی دست به دست هم می دهند تا خشونت میان همسالان شایع تر باشد. اطلاعات در دسترس نشان دهنده این است که در اکثر نقاط جهان نرخ و میزان قتل های مرتکب شده توسط پسران بین 15 تا 17 سال حداقل سه برابر میزان قتل های انجام شده توسط پسران 10 تا 14 ساله است. این افزایش ناگهانی در میزان خشونت در میان کودکان بالای 15 سال حتی در مناطقی که میزان و تعداد قتل در آنها بسیار پایین است نیز وجود دارد و این امر حاکی از این است که اقدامات مقتضی و لازم برای محدود کردن رفتار های خشونت آمیز، باید قبل و در حین سال های اول نوجوانی صورت گیرد.⁶²

72. خشونت جسمی میان همسالان بیشتر در مناطق شهری شایع است که فقدان اشتغال، آموزش و تسهیلات اجتماعی و همچنین استاندارد پایین مسکن وجود دارد که جمعیت جوان و رو به رشد ناامیدی و شکست، عصبانیت و تنش های مزمن را در غالب دعوا و رفتار های ضد اجتماعی بروز می دهند. بیشتر خشونت به شکل مشاجرات شخصی با دوستان و آشنایان بروز می کند و بیشتر با مصرف الکل و یا مواد مخدر ارتباط دارد. در مواردی که سلاح های گرم و سایر اسلحه ها در دسترس باشد، دعوا ها اغلب به صدمات و آسیب های جسمی شدید و یا حتی مرگ منجر می شود. تفاوت های جنسیتی در نرخ و میزان قتل در نوجوانان نشان دهنده این است که ارتباطات اجتماعی مردان و هنجارهای مردانگی اغلب به بروز خشونت کمک می کند. به عنوان مثال، در کشور های آمریکای لاتین منطقه کارائیب نرخ قتل در میان پسران 2 تا 6 برابر نرخ قتل در میان دختران است.⁶³

61 هر دختر مهم است: توسعه، عدالت و جنسیت. گزارش در مورد کودکان دختر (اوتناریو، «ورلد ویژن کانادا»، 2001)، صفحه 17؛ یونیسف سومالی، از فرضیه تا واقعیت: مطالعه در زمینه حمایت از کودکان در سومالی (نایروبی، یونیسف، 2003).

62 تخمین جهانی عواقب مربوط به سلامتی در اثر خشونت علیه کودکان، ذکر شده در پانوش 8.

63 به همان پانوشت مراجعه کنید.

73. خشونت پلیس و فقدان دسترسی به عدالت اغلب در جوامعی که به شدت با خشونت دست به گریبان هستند دیده می شود.⁶⁴ در برخی از کشورها جرم سازمان یافته و خشونت باند ها، دولت ها را وادار کرده است تا اقدامات سرکوب گرانه شدیدی علیه این گروه ها اتخاذ نمایند. هنگامی که اقداماتی از این دست با راهبردهای پیشگیری، سیستم جمع آوری اطلاعات قابل اعتماد و رعایت کامل موازین حقوق بشری همراه نباشند احتمال خطر خشونت افزایش می یابد. اقدامات جزایی مضاعف و بازداشت و حبس گسترده اعضای باندها هنگامی که با اجرای قانون به صورت نابرابر، غیر موثر و همراه با خشونت توأم باشد، بدنامی و برچسب زنی به جوانان محروم را در پی دارد و به افزایش خشونت کمک می کند.

74. مطالعات انجام شده در زمینه خشونت جسمی غیر مرگبار حاکی از این است که در ازای هر فقره قتل نوجوانان در حدود 20 تا 40 نفر قربانی خشونت جسمی غیر مرگبار وجود دارد که به مراقبت و درمان بیمارستانی نیاز پیدا می کنند. همانند موارد مربوط به قتل، نرخ و میزان قرار گرفتن در معرض خشونت جسمی غیر مرگبار در میان پسران بیشتر از دختران است.⁶⁵

75. کودکان در معرض خشونت و استثمار جنسی از سوی اعضای جامعه محلی قرار دارند و در این زمینه بسیار آسیب پذیر هستند. در اغلب موارد عاملان خشونت جنسی افرادی هستند که کودک آنها را می شناسد مانند اعضای خانواده و یا بزرگسالانی که کودک به آنها اعتماد دارد (مانند مربیان ورزشی، روحانیون، پلیس، معلمان و کارفرمایان) ولی در مواردی هم کودک عامل خشونت را نمی شناسد.⁶⁶ تحقیقات اخیر نشان داده است که خشونت معمولاً بخشی از روابط دوران نوجوانی است. نتایج اولیه تحقیق جهانی مربوط به سلامت در مدارس که هنوز نیز در حال انجام است و بر روی دانش آموزان 13 تا 15 ساله انجام می شود، حاکی از این است که میزان بسیار بالایی از خشونت جسمی در چارچوب روابط دوستی نوجوانان و قرار های ملاقاتی که با یکدیگر دارند اتفاق می افتد. هنگامی که از آنها پرسیده شده که آیا در 12 ماه گذشته دوست دختر یا پسر آنها عمداً آنها را زده است، به صورت آنها سیلی زده است و یا عمداً به آنها صدمه زده است پاسخ 15 درصد از دختران و 29 درصد از پسران در اردن، 9 درصد از دختران و 16 درصد از پسران در نامیبیا، 6 درصد از دختران و 8 درصد از پسران در سوازیلند و 18 درصد از دختران و 23 درصد از پسران در زامبیا «مثبت» بوده است.⁶⁷

76. خشونت در جوامع محلی، کودکان گروه های محروم و به حاشیه رانده شده را تحت تاثیر قرار می دهد. خشونت پلیس علیه کودکان خیابان – از اذیت و آزار لفظی تا کتک زدن، تجاوز به عنف و سایر انواع خشونت

64 هدف های آسان: خشونت علیه کودکان در جهان (نیویورک، نشریه حقوق بشر، 2001).

65 «کروگ»، ذکر شده در پانوشت 1، صفحه 27.

66 10 نکته مهم برای فراگیری، ذکر شده در پانوشت 59، صفحه 21.

67 تجزیه و تحلیل توسط برنامه تحقیق جهانی مربوط به سلامت در مدارس: سازمان جهانی بهداشت، ذکر شده در پانوشت 9.

جنسی، شکنجه و «ناپدید شدن» - موضوعی است که به کرات در مطالعه و مشاوره ها به آنها پرداخته شده است. کودکان همه مناطق جهان در مورد رفتار خشن و خشونت بی دلیل و بی مورد پلیس برای اعمال خلاف ناپیچ و کوچک صحبت کرده اند.^{۶۸}

77. توریسم و گردشگری ارزان قیمت به همراه خود گردشگری جنسی را به ارمغان آورده است که اغلب کودکان قربانی این نوع گردشگری هستند. همچنین ظاهراً اینترنت و سایر پیشرفت ها در زمینه فن آوری ارتباطات نیز در افزایش میزان مخاطرات استثمار جنسی و سایر انواع خشونت بی تاثیر نبوده است.

78. کودکان پناهنده و آواره نیز به شدت در معرض خطر اعمال خشونت آمیز قرار دارند. مطالعات و پژوهشهای انجام شده بر روی پناهندگان در آفریقا حاکی از این است که فقدان امنیت در مکان ها و فضا های عمومی دلیل افزایش خطر خشونت های جنسی و مبتنی بر جنسیت است و اغلب قربانیان این مساله دختران هستند.^{۶۹} در بسیاری از اردوگاه ها امکانات لازم از قبیل ساختمان های امن، حضور منظم مجریان قانون مانند پلیس، مکانی امن برای قربانیان خشونت و امکانات لازم برای گزارش دهی و جبران چنین حوادثی وجود ندارد.^{۷۰} در موارد آوارگی ناخواسته افراد، دختران و زنان ممکن است بیشتر در معرض مشکلات مرتبط با جنسیت، از جمله موقعیت فرهنگی و اجتماعی-اقتصادی و وضعیت حقوقی و قانونی شان قرار بگیرند که این خود به این معنی است که ممکن است زنان و دختران کمتر از مردان و پسران از حقوق خود برخوردار شوند.

79. قاچاق انسان، از جمله کودکان، در داخل کشور ها و از مرزهای بین المللی بین کشور ها یکی از نگرانی های عمده در سطح بین المللی است. این پدیده بسیار پیچیده است و از تعامل فقر، مهاجرت برای کار، درگیری ها و جنگ ها و همچنین نا آرامی ها و بحران های سیاسی که باعث جابه جا شدن جمعیت می شود ناشی می شود.^{۷۱} در فرآیند قاچاق انسان ممکن است انواع مختلفی از خشونت بروز کند: ربوده شدن و فریب دادن کودکان توسط کسانی که با آنها ارتباط برقرار می کنند، والدین کودکان و سایر مراقبان کودک، خشونت جنسی که

68 «دبلیو ورنام»، فرصت در خارج از زندان: کودکان خیابانی و سیستم قضائی ویژه نوجوانان و جوانان - دورنمایی بین المللی (لندن، کنسرسیون در زمینه کودکان خیاباتی، 2004).

69 دارفور: زنان حتی بعد از پناهنده شدن مورد تجاوز به عنف قرار گرفتند؛ حامیان مالی برنامه های بشردوستانه باید میزان حمایت و کمک های خود را به قربانیان خشونت جنسی افزایش دهند. بولتن خبری حافظ حقوق بشر 11 آوریل سال 2005؛ زندگی های متلاشی شده: جنایات که قربانیان زدن دارند در زمان بحران ها (لندن، سازمان عفو بین الملل، 2004)؛ «ای سی اکوت»، «آی آمونی» و «جی اوتیم»، رنج کشیدن در سکوت: مطالعه ای در زمینه خشونت جنسی و مبتنی بر جنسیت (SGBV) در اردوگاه «پابو»، منطقه «گولو»، شمال اوگاندا (نیویورک، یونیسف، 2005)؛ «جی گاردنر» و «جی البوشرا»، سومالی، داستان ناگفته: جنگ از چشم زنان سومالیایی (لندن، CIIR و انتشارات «پلوتو» (Pluto)، 2004).

70 «جی وارد»، اگر اکنون نه، پس چه وقت؟ پرداختن به خشونت مبتنی بر جنسیت در شرایط مربوط به پناهندگان، افرادی که بالاجبار جابه جا شده اند و همچنین در شرایط پس از بروز بحران (سلامت در کنسرسیون پناهندگان، 2002)؛ به دنبال حمایت: پرداختن به خشونت جنسی و خانگی در اردوگاه های مربوط به پناهندگان در تانزانیا (نیویورک، حافظ حقوق بشر، 2000).

71 قاچاق انسان، به ویژه زنان و کودکان، در آفریقا (نگارش دوم) (فلورانس، یونیسف، بولتن «اینوچنتی»، 2004).

ممکن است حین انتقال به مقصد برای قربانیان قاچاق انسان اتفاق بیفتد^{۷۲}، یا ممکن است آنها را زندانی کنند و به طور مداوم در زمانی که برای مشغول شدن به «کار» منتظر می ماند در معرض خشونت قرار بگیرند. اغلب قربانیان قاچاق معمولاً به محیط ها و شرایطی سرشار از خشونت منتقل می شوند: فحشا، ازدواج اجباری، و یا کار در خانه ها و مزارع در شرایط معادل بردگی، خدمتکاری، و یا کار اجباری در ازای بدهی.

80. رسانه های گروهی در مواردی در مطبوعات، رسانه های تصویری / بصری از جمله برنامه های تلویزیونی، فیلم ها و بازی های رایانه ای، خشونت به طور کلی و خشونت علیه کودکان را عادی جلوه می دهند و یا حتی به آن وجهه ای شکوهمند می دهند.^{۷۳} اینترنت نیز به تولید، توزیع و استفاده از مطالب و پدیده هایی که به خشونت علیه کودکان می پردازند دامن زده و کمک کرده است. اینترنت به مکانی برای صحبت و «آماده سازی» در آمده است (جلب اطمینان و اعتماد کودکان به منظور کشاندن آنها به موقعیت و وضعیتی که ممکن است به آنها صدمه و آسیب وارد شود). همچنین کودکان با استفاده از اینترنت در معرض خشونت و مطالب مربوط به هرزه نگاری و مطالب و تصاویر مستهجن، و همچنین آزار و اذیت و ارباب، از جمله زورگویی از سوی بزرگسالان و یا سایر کودکان قرار می گیرند.^{۷۴} مطالعات انجام شده در کانادا و انگلستان نشان دهنده این است که تعداد زیادی از کودکان دانش آموز از طریق پست الکترونیکی و تلفن های همراه مورد آزار و اذیت و یا زورگویی و ارباب قرار گرفته اند و یا فردی اطلاعات نادرست و گمراه کننده ای در مورد آنان روی سایت ها منتشر کرده است.^{۷۵} کنترل و نظارت بر دسترسی کودکان به اینترنت و استفاده از آن به مراتب دشوار تر از کنترل و نظارت بر استفاده آنها از مطبوعات، تلویزیون و فیلم ها است.

IV. پیشرفت های حاصل شده

81. تجزیه و تحلیل پاسخ های دولت ها به پرسش نامه های مربوط به مطالعه بنده و مشاهدات نهایی کمیته حقوق کودک نشان دهنده این است که دولت ها و سایر دست اندر کاران، برنامه ها و طرح های متعددی را برای پیشگیری از بروز انواع خشونت علیه کودکان و پرداختن به آن تدوین کرده اند که بنده در متن فوق به آنها رجوع و اشاره کرده ام.

72 قاچاق به منظور استثمار جنسی و سایر فعالیت های استثمار جویانه (فلورانس، مرکز تحقیقاتی «اینوچنتی»، 2005).

73 بازبینی منطقه ای برنامه مطالعه خشونت علیه کودکان دبیر کل سازمان ملل متحد: آمریکای شمالی (2005).

74 ECPAT، خشونت علیه کودکان در فضای مجازی، گزارش فرعی در زمینه برنامه مطالعه خشونت علیه کودکان دبیر کل سازمان ملل متحد (2005).

75 «تی بران» و «لی کیو»، «آزار و اذیت مجازی: مطالعه ای در زمینه روشی جدید برای رفتاری دیرین»، ژورنال مطالعات استفاده از رایانه به منظور آموزش، جلد 32، شماره 3 (2005)، صفحات 265 تا 277.

82. تجربه و دانش روز افزون دولت ها و سازمان های بین المللی در تدوین و اجرای برنامه ها و طرح های مربوط به پیشگیری و پاسخ در مشاوره های منطقه ای نیز مطرح شد و بدین وسیله توانایی ها و قابلیت های هر کشور در زمینه پاسخ و مقابله با این چالش مهم محرز شد.

83. تعداد 192 کشور پیمان نامه حقوق کودک را تصویب و امضا کرده اند و تعداد زیادی از کشور ها نیز پروتکل الحاقی مربوط به فروش کودکان، فحشا و هرزه نگاری کودکان، و همچنین پروتکل الحاقی در زمینه به کار گرفتن کودکان در درگیری های مسلحانه و جنگ ها را نیز تصویب و امضا کرده اند. از زمانی که این پیمان نامه به اجرا گذاشته شد، اسناد دیگری نیز تدوین گردیده و با امضای تعداد زیادی از کشور ها به مورد اجرا گذاشته شده اند. کنوانسیون شماره 182 سازمان جهانی کار در سال 1999 و همچنین پروتکل مربوط به پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق انسان، به ویژه زنان و کودکان در سال 2000 مکمل کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان یافته بین مرزها ی سازمان ملل متحد شد.

84. بر اساس این سند قانونی، برنامه ها و طرح های بسیاری اجرا شده و اقدامات ملموسی نیز اتخاذ شده است. به عنوان مثال، کنوانسیون شماره 182 سازمان جهانی کار به بازبینی و اصلاح قوانین کار و تدوین برنامه های اجرایی ملی به منظور ایجاد ابزار های جدید برای پایان بخشیدن و ریشه کنی بدترین نوع کار کودک منجر شده است. همچنین در زمینه ممنوعیت و پرداختن به قاچاق کودکان از طریق قوانین ضد قاچاق کودک و همچنین تقویت و استحکام بخشیدن به همکاری های چند جانبه میان کشور های مبدا و محل عبور، پیشرفت هایی حاصل شده است.

85. پاسخ هایی که به پرسش نامه های بنده ارائه شده حاکی از این است که اقدامات مربوط به پرداختن به موضوع خشونت علیه کودکان اغلب در چارچوب قانون گذاری انجام گرفته است. کشورها قوانین جدیدی به منظور پرداختن به موضوع خشونت علیه کودکان وضع کرده اند و برخی از آنها قوانین داخلی خود را با پیمان نامه حقوق کودک، پروتکل های الحاقی و سایر پیمان نامه ها و معاهدات مربوطه هماهنگ نموده اند. با این حال، در فرآیند اصلاح قوانین تمرکز بیشتر بر روی مسائل و موضوعات جزئی، اگر چه با اهمیت، بوده است و رویکردی جامع و فراگیر به منظور مقابله با خشونت علیه کودکان مدنظر نبوده است. کشورهای معدودی بازبینی جامع و کاملی از چارچوب و ساختار قانونی / قضائی کشور خود انجام داده اند که در سایه این بازبینی قوانین بتوانند به شکلی موثرتر به مقابله با خشونت علیه کودک بپردازند و اجرای قوانین و نیز اصلاح قوانین هنوز به صورت چالشی بزرگ باقی مانده است.

86. در بسیاری از کشور ها قوانین مربوط به خشونت علیه کودکان تنها بر خشونت جنسی و یا جسمی تمرکز می کنند و موارد مربوط به خشونت روانی را پوشش نمی دهند. بیشتر بر حمایت و مجازات تمرکز می شود، و

این در حالی است که توجه چندانی به درمان، بازگشت قربانی خشونت به آغوش اجتماع و جبران آسیب وارده نمی‌شود. همچنین به زعم بعضی از کشورها پیشگیری، به سادگی در سایه پرداختن به جنبه‌های حمایتی و جزایی قوانین ایجاد می‌شود.

87. پاسخ‌های ارائه شده به پرسش نامه بنده همچنین نحوه شکل‌گیری برنامه‌های عملیاتی ملی، برنامه‌ها و سیاست‌های مربوط به خشونت علیه کودکان را مشخص می‌سازد. در این گونه برنامه‌ها و طرح‌ها اغلب تمرکز بر استثمار جنسی و قاچاق کودکان است. در کشور‌های متعددی از طریق ایجاد ساختارهای خاص مانند دادگاه‌های ویژه اطفال و نوجوانان و دادگاه خانواده به موضوع حمایت از کودکان و سایر موضوعات مربوط به کودکان پرداخته شده است. بسیاری از کشورها اظهار داشتند که برنامه‌ها و طرح‌های مربوط به حمایت یابی، ترویج فرهنگ، افزایش آگاهی و همچنین برنامه‌های آموزشی در زمینه موضوعات مربوط به حقوق کودک و حمایت از کودکان تدوین و اجرا شده است و عقیده بسیاری بر این واقعیت است که رسانه‌ها نقش بسزایی در افزایش آگاهی، انتشار اطلاعات و همچنین بسیج جامعه ایفا می‌کنند. با این حال تعدادی از کشورها به نقش منفی رسانه‌ها در زمینه ایجاد برخورد‌های احساساتی، تجاوز به حریم خصوصی کودکان قربانی خشونت و قرار دادن کودکان در معرض خشونت اشاره کردند.

88. با وجود تأیید و اذعان به این امر که اجرای قانون به صورت ناهمگون صورت می‌گیرد و اینکه طرح و برنامه‌های موجود به طور کلی ناکافی هستند، کمیته حقوق کودک و دست‌اندرکاران مسئول حفظ حقوق بشر معتقد هستند که پیشرفت‌هایی در زمینه حمایت از کودکان در برابر خشونت در همه شرایط و محیط‌ها حاصل شده است. در گفتگوهای انجام شده میان کشور‌های عضو و کمیته حقوق کودک، کمیته مراتب قدردانی خود را از اقدامات و فعالیت‌های مطلوب و همچنین طرح‌ها و برنامه‌های مثبتی که در راستای تلاش برای پرداختن به موضوعاتی نظیر ختنه زنان، کار کودکان - از جمله ریشه‌کنی و پایان بخشیدن به بدترین اشکال آن - و همچنین پرداختن به خشونت خانگی علیه زنان و کودکان اعلام داشته است. برنامه‌هایی برای ارائه حمایت و خدمات به کودکان خیابان، حمایت و پشتیبانی از والدین و ارتقاء سطح مهارت‌های آنها برای کودک‌پروری تدوین و اجرا شده است و همچنین قوانینی با هدف ممنوعیت اعمال تبعیض علیه کودکانی که به گروه‌های محروم و به حاشیه رانده شده تعلق دارند، از جمله کودکان دچار ناتوانی و معلولیت، کودکانی که به اچ‌آی‌وی/ایدز مبتلا هستند و یا از این بیماری تاثیر پذیرفته‌اند، کودکان بومی و همچنین کودکانی که به اقلیت‌های ملی، قومی، مذهبی و زبانی تعلق دارند تصویب شده است.

89. مکانیسم‌های حمایت از حقوق بشر در سطح منطقه‌ای نیز در ارتقاء سطح استاندارد‌های قانونی/قضائی برای حمایت از کودکان در برابر خشونت بسیار مهم و موثر بوده است. تصمیمات و احکام مهمی توسط مکانیسم‌های حقوق بشری شورای اروپا از جمله دیوان حقوق بشر اروپا و همچنین کمیته حقوق اجتماعی اروپا در زمینه

خشونت علیه کودکان، از جمله تنبیه بدنی و سوء استفاده جنسی از کودکان، اتخاذ و صادر شده است. اسناد قانونی برای مبارزه با قاچاق کودکان و خشونت های مرتبط به فن آوری های جدید اطلاعات نیز با استفاده از امکانات و منابع شورای اروپا تدوین و تنظیم شده است. کشور های عضو اتحادیه آفریقایی، پروتکل الحاقی منشور آفریقایی حقوق بشر و حقوق افراد در ارتباط با حقوق زنان در آفریقا را تصویب و امضا نمودند که در سایه این پروتکل ابزاری های مضاعفی برای ریشه کنی و توقف مراسم و اقدامات سنتی مضر، از قبیل ختنه زنان، ایجاد شده است. در سطح زیر منطقه ای، در سال 2001 کنوانسیون منطقه ای پیشگیری و مبارزه با قاچاق زنان و کودکان به منظور فحشا به تصویب و امضای انجمن همکاری منطقه ای جنوب آسیا رسید.

7. نتیجه گیری

«در آشکار کردن موضوعاتی که کودکان قربانی خشونت با آنها روبرو هستند، رنجهای ما قسمتی از یک تلاش جهانی برای تحقق حقوق بشر است. ما انتظار نداریم به طور خاص به خواسته و فریاد ما رسیدگی شود، بلکه انتظار داریم به نحوی انسانی و مطابق با ارزش های بنیادین کرامت انسانی که زیربنای اعلامیه [جهانی حقوق بشر] است به آن رسیدگی شود. به عنوان شهروندان جهانی ما خواستار آنیم که به عنوان شهروندان درجه یک و نه درجه دو شناخته شویم.»

اعلامیه کودکان و نوجوانان منطقه کارائیب

90. با وجود پیشرفت های حاصل شده هنوز اقدامات و فعالیت های بسیاری برای انجام مانده است، و عوامل متعددی وجود دارد که میزان تاثیر و اثربخشی اقداماتی که در زمینه مقابله با خشونت علیه کودکان ارائه و یا پیشنهاد شده اند را محدود می کند. از جمله این عوامل می توان به فقدان دانش و درکی درست از خشونت علیه کودکان و دلایل ریشه ای آن اشاره کرد که کمبود و نبود اطلاعات و آمار و ارقام در زمینه موضوع به شدت این امر می افزاید. تلاش های انجام شده برای پرداختن به موضوع خشونت علیه کودکان اغلب فعالیت های عکس العملی هستند و در انجام آنها به جای پرداختن به علل و ریشه های خشونت، تمرکز بر روی علائم و عواقب و آثار خشونت است. راهبردها نه تنها یکپارچه و منسجم نیستند بلکه بیشتر پراکنده هستند و منابع کافی به انجام اقدامات مربوط به حل این مشکلات اختصاص نمی یابند. به علاوه، تعهدات بین المللی برای حمایت از کودکان در برابر خشونت در سطوح ملی جامه عمل نمی پوشند.

91. کشور های عضو تعهداتی برای حمایت از کودکان در برابر انواع خشونت را پذیرفته اند. با این حال، باید پذیرفت که، همانطور که کودکان در طول روند مطالعه اظهار داشته اند و همچنین تحقیقات و پژوهش های انجام گرفته نشان داده است، این تعهدات با انجام و عملی شدن بسیار فاصله دارند. پیام و نتیجه اصلی این مطالعه این است که اعمال هیچ نوعی از خشونت علیه کودکان قابل توجیه نیست؛ و همه انواع خشونت اعمال

شده بر کودکان قابل پیشگیری است. دیگر هیچ عذر و بهانه ای قابل قبول نیست. کشور های عضو باید فوراً اقدامات مقتضی را اتخاذ نمایند تا به تعهدات بین المللی خود در زمینه حقوق بشر و سایر تعهدات خود برای حصول اطمینان از حمایت از کودکان در برابر هر نوعی از خشونت عمل کرده باشند. در حالی که مسئولیت و تعهد قانونی بر عهده دولت ها است، کلیه بخش های جامعه و کلیه افراد در مسئولیت محکوم کردن و پیشگیری نمودن از کلیه انواع خشونت علیه کودکان و همچنین رسیدگی به کودکان قربانی خشونت سهیم هستند. هیچ کدام از ما نخواهیم توانست در چشم کودکان نگاه کنیم اگر همچنان هر نوعی از خشونت را تأیید و یا در مورد آن اغماض کنیم.

92. در عین حال، عواقب و آثار خشونت علیه کودکان بر اساس ماهیت و شدت خشونت تفاوت دارد و در نتیجه تلاش هایی که برای پیشگیری و پاسخ به هر نوعی از خشونت انجام می گیرد باید بر اساس نوع خشونت، شرایطی بروز خشونت و عامل یا عاملان آن، چند منظوره باشد و با در نظر گرفتن مصالح عالیله کودک انجام شود.

93. در طی روند انجام این مطالعه، بنده از اصول زیر پیروی نموده ام و این امر در قسمت توصیه ها منعکس شده است:

(الف) هیچ نوعی از خشونت علیه کودکان قابل توجیه نیست. کودکان هرگز نباید کمتر از بزرگسالان مورد حمایت قرار گیرند؛

(ب) کلیه انواع خشونت علیه کودکان قابل پیشگیری است. دولت ها باید در سیاست ها و برنامه های مبتنی بر مستندات برای پرداختن به عواملی که میزان خشونت علیه کودکان را افزایش می دهد سرمایه گذاری کنند؛

(پ) مسئولیت اولیه دولت ها احقاق و حمایت از حقوق کودکان برای برخورداری از حمایت و دسترسی به خدمات و همچنین حمایت از توانایی خانواده ها برای تامین مراقبت در محیطی امن برای کودکان است؛

(ت) دولت ها متعهد هستند که مسئول شناخته شدن و مجازات عاملان خشونت در هر مورد را تضمین کنند؛

(ث) آسیب پذیری کودکان در برابر خشونت با سن و سال و توانایی های رو به رشد آنان مرتبط است. بعضی از کودکان به علت جنسیت، نژاد، تعلق قومی، ناتوانی و معلولیت و یا وضعیت اجتماعی به طور خاص آسیب پذیر هستند؛

(ج) کودکان حق دارند عقاید و افکار خود را آزادانه بیان کنند، و این نظرات و عقاید باید در اجرای سیاست ها و برنامه ها اعمال و لحاظ شود.

4. توصیه ها

94. توصیه های بنده از یک سو شامل پیشنهادهای جامع و کلی است که به همه تلاش هایی که به منظور پیشگیری از بروز خشونت علیه کودکان و همچنین پاسخ به خشونت در صورت وقوع انجام می شود مرتبط است و از سوی دیگر پیشنهادهای خاصی که به شرایط خانه و خانواده، مدارس و سایر محیط های آموزشی، مراکز مراقبت و یا بازداشتگاه ها، محیط کار و جامعه محلی مربوط می شود.

95. این توصیه ها در درجه اول خطاب به کشورها است که به عملکرد آنها در زمینه قانون گذاری، اجرایی، قضائی، سیاست گذاری، ارائه خدمات و همچنین عملکرد اداری / سازمانی مربوط می شود. برخی پیشنهادهای سایر بخش های جامعه که اهمیت بسیار بالایی دارند مربوط می شود. این بخش ها عبارتند از نهادهای تخصصی، اتحادیه های تجاری، موسسات تحقیقاتی، کارفرمایان، و سازمان های غیر دولتی و سازمان های مبتنی بر جامعه محلی. این توصیه ها همچنین به والدین و کودکان نیز مربوط می شود.

الف. پیشنهادهای جامع و کلی

1. تقویت تعهدات و اقدامات در سطوح ملی و محلی

96. توصیه می شود که کلیه کشورها چارچوبی چند منظوره و نظام مند برای مقابله با خشونت علیه کودکان تدوین و طراحی نمایند که در فرآیند ملی برنامه ریزی ادغام شود. راهبرد، سیاست و یا برنامه عملیاتی ملی در زمینه خشونت علیه کودکان با اهداف واقع نگر و محدودیت زمانی تدوین شود که توسط سازمانی با ظرفیت هدایت و اداره چند بخش مختلف از طریق راه کار اجرایی در مقیاس کلان، هماهنگ شود. قوانین، سیاست ها، طرح ها و برنامه های ملی باید به طور کامل با موازین بین المللی حقوق بشر و دانش علمی و فنی روز مطابقت داشته باشند. اجرای راهبرد، سیاست و یا طرح / برنامه ملی باید به طور منظم و نظام مند و بر اساس اهداف و زمان بندی های تعیین شده مورد ارزیابی قرار گیرد و همچنین منابع کافی انسانی و مالی برای تضمین و حمایت از اجرا به این برنامه ها تخصیص یابد.

2. ممنوعیت کلیه انواع خشونت علیه کودکان

97. از کشورها مصرّاً درخواست می شود که از اینکه هیچ فرد زیر 18 سال به مجازات اعدام یا حبس ابد بدون امکان آزادی محکوم نمی شود اطمینان حاصل کنند. پیشنهاد می شود دولت ها کلیه اقدامات مقتضی را برای تعلیق و توقف اجرای کلیه احکام اعدام در مورد افرادی که جرمی را قبل از رسیدن به سن 18 سال مرتکب شده اند اتخاذ نمایند و همچنین اقدامات حقوقی مقتضی و مناسب را اتخاذ نمایند تا حکم اعدام این افراد به مجازات هایی تغییر یابد و تبدیل شود که با استاندارد ها و معیار های بین المللی حقوق بشر مطابقت و همخوانی داشته باشد. مجازات اعدام برای افرادی که جرمی را قبل از رسیدن به سن 18 سال مرتکب شده اند باید به عنوان اصلی ترین الویت برای همیشه متوقف شود.

98. از کشورها جدا تقاضا می شود کلیه انواع خشونت علیه کودک، از جمله تنبیه بدنی، آداب و رسوم سنتی مضر، از قبیل ازدواج اجباری و زود هنگام، ختنه زنان، قتل های ناموسی، خشونت جنسی و شکنجه و هر گونه رفتار، برخورد و تنبیه بی رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز را تحت هر شرایطی و در هر محیطی ممنوع اعلام کنند، همانگونه که در پیمان نامه ها و معاهدات بین المللی از جمله کنوانسیون منع شکنجه و سایر انواع رفتار و تنبیه بی رحمانه، غیر انسانی و تحقیرآمیز و همچنین پیمان نامه حقوق کودک تصریح شده است. توجه خوانندگان گزارش را به نظر کلی شماره 8 (2006) صادر شده از سوی کمیته حقوق کودک در زمینه حق کودک برای برخورداری از حمایت در برابر تنبیه بدنی و سایر انواع تنبیه های خشونت آمیز و تحقیرآمیز جلب می کنم (مواد 19، 28، پاراگراف 2، و 37 و سایر مواد) (CRC/C/GC/8).

3. دادن الویت به پیشگیری

99. توصیه می شود که کشورها پیشگیری از خشونت علیه کودک را، از طریق پرداختن به علل و ریشه های آن، در بالاترین الویت قرار دهند. به همان میزان که منابع تخصیص یافته به انجام مداخلات پس از وقوع خشونت اساسی و مهم است، دولت ها باید منابع کافی به امر پرداختن به عوامل خطرزا اختصاص دهند و از بروز خشونت قبل از وقوع آن پیشگیری کنند. در سیاست ها و برنامه ها باید به عوامل خطرزای اولیه از قبیل فقدان دلبستگی بین والدین و کودک، از هم گسیختگی بنیان خانواده، سوء مصرف الکل و مواد مخدر، و دسترسی به سلاح های گرم و سایر انواع اسلحه ها پرداخته شود. در راستای اهداف توسعه هزاره، توجه باید بر سیاست های اقتصادی و اجتماعی در زمینه فقر، جنسیت و سایر انواع نابرابری، تفاوت و شکاف عمیق بین درآمد ها، بیکاری، افزایش جمعیت بیش از حد در مناطق شهری، و سایر عوامل از این دست که بنیان های اجتماع را سست می کنند متمرکز شود.

4. ترویج ارزش های عاری از خشونت و افزایش آگاهی

100. توصیه می شود کشورها و جامعه مدنی در تغییر رویکرد هایی که باعث می شوند تا خشونت علیه کودک امری عادی تعبیر شود و یا در مورد آن اغماض شود تلاش کنند؛ که از جمله این رویکردها می توان به کلیشه های موجود در مورد نقش های جنسیتی و تبعیض، پذیرفتن و تأیید تنبیه بدنی، و آداب و رسوم سنتی مضر اشاره کرد. کشورها باید از انتشار اطلاعات مربوط به حقوق کودک و ایجاد درکی روشن و درست از آن در میان مخاطبان، از جمله خود کودکان، اطمینان حاصل نمایند. باید از برنامه های اطلاع رسانی عمومی به منظور افزایش سطح حساسیت افکار عمومی نسبت به تاثیرات مضر خشونت بر روی کودکان استفاده شود. کشورها باید رسانه ها را تشویق کنند تا ارزش های عاری از خشونت را ترویج نمایند و از دستورالعمل هایی پیروی کنند تا از رعایت احترام کامل به حقوق کودک در تمامی فعالیت ها و تولیدات رسانه ها اطمینان حاصل شود.

5. افزایش ظرفیت کلیه دست اندرکاران امور کودک

101. توصیه می شود که ظرفیت کلیه افرادی که در زمینه امور کودک و برای کودکان فعالیت می کنند به منظور کمک به ریشه کنی و پایان بخشیدن به خشونت علیه کودکان تقویت شود. دوره های آموزشی اولیه و در حین خدمت در زمینه دانش درباره حقوق کودک و احترام به آن باید برای دست اندرکاران امور کودک برگزار شود. کشورها باید در زمینه آموزش نظام مند و برنامه های آموزشی برای افراد حرفه ای و غیر حرفه ای فعال در زمینه امور کودک و خانواده ها برای پیشگیری، شناسایی و پاسخگویی به خشونت علیه کودکان سرمایه گذاری کنند. دستورالعمل های رفتاری و استاندارد ها و معیار های روشن نحوه عملکرد باید با لحاظ شدن ممنوعیت و رد هر گونه خشونت تدوین و اجرا شوند.

6. تامین خدمات لازم برای درمان قربانیان خشونت و بازگرداندن آنها به بطن جامعه

102. توصیه می شود کشورها هنگام شناسایی و آشکار شدن موارد خشونت خدمات بهداشتی و اجتماعی در دسترس، عمومی و با رعایت حساسیت های لازم در مورد کودکان، از جمله مراقبت های پیش بیمارستانی و اورژانس، حمایت و مشاوره حقوقی برای کودکان و در صورت مناسب تشخیص داده شدن، به خانواده های کودکان قربانی خشونت، ارائه نمایند. نظام های خدمات بهداشتی / درمانی، حقوق جزایی و خدمات اجتماعی باید طوری طراحی و تدوین شوند که نیاز های کودکان را تامین و برطرف نمایند.

7. تضمین و حصول اطمینان از مشارکت خود کودکان

103. توصیه می شود کشور ها، در راستای عمل به ماده 12 پیمان نامه حقوق کودک، به طور فعال با کودکان به تعامل بپردازند و به نظرات و عقاید آنان در کلیه جنبه های پیشگیری، پاسخ و پایش در زمینه خشونت علیه آنان احترام بگذارند. باید از فعالیت سازمان های کودکان و برنامه هایی که توسط خود کودکان اداره می شوند و با هدف تامین مصالح عالیله کودک برای پرداختن به خشونت ایجاد می شوند حمایت و تشویق به عمل آید.

8. ایجاد نظام ها و خدمات گزارش موارد خشونت در دسترس و دوستدار کودک

104. توصیه می شود کشور ها مکانیسم های امن، شناخته شده، محرمانه و در دسترس برای کودکان، نمایندگان آنها و سایرین برای گزارش و ثبت موارد خشونت علیه کودکان ایجاد نمایند. کلیه کودکان از جمله کودکانی که در موسسات نگهداری و یا مراکز اصلاح و تربیت به سر می برند، باید از وجود مکانیسم ها و مراجعی که می توانند در صورت لزوم به آنها شکایت کنند آگاهی کامل داشته باشند. باید مکانیسم ها و خدماتی نظیر خطوط تلفنی یاری کودک ایجاد و راه اندازی شوند تا کودکان بتوانند از طریق آنها موارد خشونت را گزارش نمایند، با یک مشاور آموزش دیده صحبت کنند و تقاضای حمایت و مشورت کنند و همچنین باید ایجاد راه های دیگر برای گزارش موارد خشونت از طریق فن آوری های جدید نیز مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد.

9. حصول اطمینان از مسئول شناخته شدن عاملان خشونت و پایان معافیت از مجازات

105. توصیه می شود کشور ها اعتماد و اطمینان افکار عمومی جامعه را، از طریق اجرای عدالت و به مجازات رساندن کلیه عاملان خشونت علیه کودکان و حصول اطمینان از اینکه این افراد از طریق روند و رویه قانونی جزایی، مدنی، اداری و یا حرفه ای محاکمه شوند و مسئولیت اعمال خویش را پذیرفته و مجازات شوند، به سیستم قضائی جلب کنند. افرادی که به جرائم خشونت آمیز و سوء استفاده جنسی از کودکان محکوم می شوند باید از کار با کودکان محروم شوند.

10. پرداختن به بعد جنسیتی خشونت علیه کودکان

106. توصیه می شود کشور ها از طراحی و تدوین سیاست ها و برنامه های ضد خشونت از منظر و با رویکردی مبتنی بر مسائل جنسیتی و با در نظر گرفتن اینکه دختران و پسران در زمینه خشونت با خطرات متفاوتی روبرو

هستند اطمینان حاصل کنند؛ کشورها باید حقوق زنان و دختران را حمایت و ترویج کنند و با کلیه تبعیض های مبتنی بر جنسیت به عنوان بخشی از یک راهبرد جامع و فراگیر پیشگیری از خشونت برخورد کنند.

11. تدوین و ایجاد نظام گردآوری اطلاعات و پژوهش و تحقیق ملی

107. توصیه می شود کشورها سیستم های گردآوری داده ها و اطلاعات را به منظور شناسایی گروه های زیر مجموعه ای آسیب پذیر، اطلاع رسانی در زمینه سیاست ها و برنامه ها در کلیه سطوح، و همچنین تعیین و سنجش میزان پیشرفت به سوی اهداف پیشگیری از خشونت علیه کودکان بهبود بخشند. کشورها باید از شاخص های ملی تعیین شده بر اساس استاندارد ها و معیار های بین المللی استفاده کنند و از گردآوری، تجزیه و تحلیل و پردازش و انتشار اطلاعات و داده ها به منظور انجام پایش پیشرفت کار در طول زمان، اطمینان حاصل کنند. در مواردی که تولد، مرگ و ازدواج افراد با پوشش کامل ملی ثبت نمی شود باید این پوشش ایجاد و حفظ شود. کشورها باید اطلاعات مربوط به کودکانی که تحت مراقبت والدین نیستند و همین طور کودکانی که در مراکز اصلاح و تربیت به سر می برند را گردآوری و نگهداری کنند. داده ها و اطلاعات باید بر اساس جنسیت، سن، شهری / روستایی بودن، خصوصیات خانوار و خانواده، سطح آموزش و تحصیلات و تعلق به قومیت خاص دسته بندی و تفکیک شود. کشورها باید دستور کار ملی برای پژوهش و تحقیق در زمینه خشونت علیه کودکان در شرایط و محیط هایی که خشونت بروز می کند تدوین و ایجاد نمایند از جمله راه های انجام این کار می توان به انجام مطالعات از طریق مصاحبه با کودکان و والدین، با توجه خاص بر گروه های آسیب پذیر دختران و پسران، اشاره نمود.

12. تقویت تعهدات بین المللی

108. توصیه می شود که کلیه کشورها پیمان نامه حقوق کودک و دو پروتکل الحاقی آن در زمینه به کارگیری کودکان در مناقشات مسلحانه و جنگ ها و همچنین پروتکل مربوط به فروش کودکان، فحشای کودکان و هرزه نگاری کودکان را تصویب، امضا و اجرا نمایند. کلیه موارد تحفظ که با اهداف و موازین پیمان نامه حقوق کودک و پروتکل های الحاقی در تضاد باشد باید مطابق با اعلامیه وین و برنامه عملیاتی کنفرانس جهانی حقوق بشر در سال 1993 ملغی شود. کشورها باید کلیه اسناد بین المللی و منطقه ای مربوط به حقوق بشر را تصویب و امضا نمایند تا تامین حمایت از کودکان عملی شود از جمله کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها و تنبیه های خشونت آمیز، غیر انسانی و تحقیرآمیز و پروتکل الحاقی مربوط به آن؛ نظام نامه دیوان جنایی بین المللی رم؛ کنوانسیون پایان بخشیدن به کلیه انواع تبعیض علیه زنان و پروتکل الحاقی مربوط به آن؛ کنوانسیون های شماره 138 و شماره 182 سازمان جهانی کار به ترتیب در زمینه حداقل سن برای اشتغال به کار و همچنین بدترین اشکال کار کودک؛ و کنوانسیون سازمان ملل متحد برای منع جرائم سازمان یافته بین

مرزها و پروتکل مربوط به منع و پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق انسان به ویژه زنان و کودکان، که به عنوان مکملی برای کنوانسیون سازمان ملل متحد برای منع جرائم سازمان یافته بین مرزها عمل می کند. کشورها باید به کلیه تعهدات و الزامات حقوقی بین المللی خود عمل کنند و همکاری خود را با سازمان های مرتبط مستحکم تر از پیش سازند.

109. توصیه می شود کشورها مطابق با تعهدات خود در زمینه پیشگیری از خشونت که در جلسه ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در زمینه کودکان در چارچوب قطعنامه مجمع سلامت سازمان جهانی بهداشت^{۷۶} در رابطه با اجرای پیشنهادات گزارش جهانی در زمینه خشونت و سلامت ایجاد شده است، و همچنین سایر قطعنامه های منطقه ای مربوط به بهداشت عمومی که به اجرای این قطعنامه کمک می کنند، عمل کنند.

ب. پیشنهادات خاص مبتنی بر محیط

1. در خانه و خانواده

110. با در نظر گرفتن این امر که مسئولیت اولیه تربیت و رشد کودک بر عهده خانواده است و کشورها باید از والدین و سایر مراقبین کودک حمایت کنند تا آنها بتوانند از کودکان مراقبت نمایند، توصیه می شود کشورها:

(الف) برنامه هایی برای حمایت از والدین و سایر مراقبین کودکان در زمینه تربیت کودک تدوین و اجرا نمایند. سرمایه گذاری در مراقبت های بهداشتی/ پزشکی، آموزش و خدمات رفاه اجتماعی برنامه های رشد در دوران کودکی با کیفیت بالا، بازدید از خانه ها، خدمات پیش و پس از آن و همچنین برنامه های درآمدزایی برای گروه های محروم را در بر بگیرند؛

(ب) برنامه های هدفمند برای خانواده هایی که با وضعیت های دشوار خاص روبرو هستند تدوین و اجرا نمایند. از جمله این خانواده ها می توان به خانواده هایی که سرپرست خانوار یک زن و یا یک کودک است، خانواده هایی که به اقلیت ها و یا سایر گروه هایی که با تبعیض روبرو هستند تعلق دارند، و خانواده هایی که کودکان دچار ناتوانی و معلولیت دارند اشاره نمود؛

(پ) برنامه های آموزشی برای والدین با در نظر گرفتن حساسیت ها و مسائل جنسیتی با تمرکز بر روشهای غیر خشونت آمیز تربیتی تدوین و اجرا کنند. این برنامه ها باید روابط سالم والدین-فرزندان را ترویج نمایند و

⁷⁶ اجرای پیشنهادات گزارش جهانی در زمینه خشونت و سلامتی. گزارش مجمع جهانی بهداشت و سلامتی (WHA) 56.24، پنجاه و ششمین مجمع جهانی بهداشت و سلامتی (ژنو، سازمان جهانی بهداشت، 2003).

والدین را به سوی استفاده از انواع مثبت و سازنده روش های تربیتی کودکان و رویکرد های مربوط به رشد کودکان، با توجه به ظرفیت های تکاملی کودک و اهمیت احترام به نظرات و عقاید آنها، سوق دهند.

2. در مدارس و سایر محیط های آموزشی

111. با توجه به اینکه کلیه کودکان باید قادر باشند به دور از هر گونه خشونت، آموزش دریافت کنند و یاد بگیرند، مدارس باید محیط هایی امن و دوستدار کودک باشند و برنامه های درسی باید بر اساس حقوق کودک تنظیم شود و اینکه مدارس محیطی باشند که در آنها امکان تغییر رویکرد هایی که در مورد خشونت اغماض می کنند وجود دارد و اینکه در این محیط می توان ارزش ها و رفتار های عاری از خشونت را آموخت، توصیه می شود که کشور ها:

(الف) مدارس را تشویق نمایند تا دستورالعمل های رفتاری که با هر نوع خشونت مخالف باشد و موارد مربوط به انواع کلیشه ها و رفتار های جنسیتی و سایر انواع تبعیض را نیز پوشش دهد در مورد کلیه کارکنان و دانش آموزان تدوین و اجرا نمایند؛

(ب) از اینکه مدیران و معلمان مدارس از راهبردهای آموزشی عاری از خشونت استفاده می کنند و مدارس روش های اداره نظم کلاس که مبتنی بر ترس، تهدید، تحقیر و نیروی فیزیکی نیستند را بر می گزینند، اطمینان حاصل نمایند؛

(پ) از طریق برنامه هایی که کل محیط مدرسه را پوشش می دهند از جمله تشویق ایجاد مهارت هایی از قبیل رویکرد های غیر خشونت آمیز در زمینه حل اختلاف، اجرای سیاست های مقابله با زورگویی و ترویج احترام به کلیه اعضای جامعه کوچک مدرسه، از بروز خشونت در مدارس پیشگیری به عمل آورند و برای کاهش موارد موجود تلاش کنند؛

(ت) از اینکه برنامه درسی، روش های تدریس و سایر رویه ها در مدارس به طور کامل با موازین و اصول پیمان نامه حقوق کودک مطابقت و همخوانی دارند و از هر گونه تحریک فعالانه و غیر فعالانه که به بروز خشونت منتهی می شود و همچنین از بروز هر گونه تبعیض به دور است اطمینان حاصل نمایند.

3. در مراکز مراقبت از کودکان و مراکز اصلاح و تربیت

112. با توجه به اینکه کشورها مسئول تضمین امنیت کلیه کودکانی هستند که در مراکز مراقبت و مراکز اصلاح و تربیت به سر می‌برند، توصیه می‌شود که کشورها:

(الف) کاهش نرخ نگهداری از کودکان در موسسات را از طریق حمایت از حفظ بنیان خانواده و روش‌های جایگزین مبتنی بر جامعه محلی در الویت قرار دهند و از اینکه از سپردن کودکان به این گونه مراکز به عنوان آخرین راه حل استفاده می‌شود اطمینان حاصل نمایند. در کلیه موارد باید ارجحیت با مراقبت از کودک در خانواده باشد و برای نگهداری از نوزادان و کودکان خردسال تنها راه مورد تأیید همین است. در صورت امکان کشورها باید بازپیوند و بازگشت کودکانی که در مراکز مراقبت به سر می‌برند به آغوش خانواده‌شان را در شرایط مناسب تضمین نمایند. با پذیرفتن اینکه کودکانی که به گروه‌های بومی و اقلیت‌ها تعلق دارند به نحوی ویژه آسیب‌پذیر هستند، کشورها باید از ارائه حمایت مبتنی بر فرهنگ بومی و خدمات مراقبتی به این کودکان و خانواده‌هایشان و از اینکه مددکاران اجتماعی آموزش‌های لازم را برای کار با این افراد دریافت می‌کنند اطمینان حاصل نمایند؛

(ب) از طریق جرم‌نشمردن «خلاف‌های خاص» (جرایمی که فقط وقتی توسط کودکان اتفاق بیافتد جرم محسوب می‌شود مانند تکدی‌گری، فرار از خانه و یا از کنترل پدر و مادر خارج بودن)، رفتارهای مربوط به بقاء (از قبیل، تکدی‌گری، خودفروشی جنسی، زباله جمع‌کنی، اتلاف وقت، ولگردی)، و قربانی قاچاق انسان و یا استثمار مجرمانه، تعداد کودکانی که به مراکز اصلاح و تربیت وارد می‌شوند را کاهش دهند. با رعایت و لحاظ نمودن استاندارد‌ها و معیارهای بین‌المللی، کشورها باید نظام‌های قضائی ویژه نوجوانان و کودکان جامع و فراگیر، کودک‌مدار و مبتنی بر عدالت ترمیمی تدوین و ایجاد نمایند.⁷⁷ بازداشت و حبس باید در مورد کودکان معارض قانونی که خطری جدی برای دیگران تلقی و شناخته می‌شوند انجام شود، و منابع قابل توجهی باید برای استفاده از روش‌های جایگزین (به جای زندان و حبس) و همچنین برنامه‌های بازپروری و اصلاح و تربیت مبتنی بر جامعه محلی و نیز برنامه‌های بازگرداندن کودکان / نوجوانان به جامعه سرمایه‌گذاری و صرف شود؛

(پ) پرونده‌های ارجاع کودکان تحت مراقبت را باید مرتباً برای مرور دلایل نگهداری در موسسه یا حبس در مرکز اصلاح و تربیت مورد بررسی و ارزیابی قرار دهند و تلاش شود تا کودک به مراقبت‌های مبتنی بر خانواده و یا جامعه محلی سپرده شود؛

⁷⁷ به عنوان مثال به مواد 37، 39 و 40 پیمان نامه حقوق کودک، حداقل ضوابط استاندارد سازمان ملل متحد برای اداره نظام‌های قضائی مربوط به نوجوانان (قوانین پکن)، دستور العمل سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزه‌کاری نوجوانان (دستور العمل‌های ریاض)، ضوابط استاندارد سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانانی که از آزادی محروم شده‌اند و دستور العمل برای اقدام در زمینه کودکانی که در کنترل نظام قضائی جنایی هستند، مراجعه کنید

(ت) مکانیسم های موثر و مستقل طرح شکایت، تحقیق و اجرای قانون در نظام قضائی خاص کودکان / نوجوانان ایجاد نمایند تا به دلایل خشونت در مراکز نگهداری و مراکز اصلاح و تربیت پرداخته شود؛

(ث) از اینکه کودکانی که در مراکز به سر می برند به حقوق خویش آگاهی دارند و اینکه مکانیسم هایی برای حمایت از این حقوق وجود دارد اطمینان حاصل نمایند؛

(ج) از وجود پایش موثر و دسترسی منظم نهاد های مستقل قادر به انجام بازدید های از پایش اعلام نشده، انجام مصاحبه های انفرادی / خصوصی با کودکان و کارکنان و تحقیق در زمینه ادعاهای اعمال خشونت در مراکز نگهداری و همچنین مراکز اصلاح و تربیت کودکان اطمینان حاصل نمایند؛

(ح) پروتکل الحاقی به کنوانسیون منع شکنجه را تصویب و امضا نمایند تا امکان انجام بازدید های مستقل، برای پیشگیری از بروز خشونت در مراکزی که کودکان در آنجا نگهداری می شوند ایجاد شود.

4. در محل کار

113. با در نظر گرفتن اینکه کودکانی که به حداقل سن اشتغال نرسیده باشند نباید در مکان های انجام کار باشند و اهمیت حمایت از کلیه کودکان در برابر کلیه انواع خشونت در محل کار، همانطور که در کنوانسیون های شماره 138 و 182 سازمان جهانی کار، پیمان نامه حقوق کودک و سایر اسناد قانونی بین المللی آمده است، توصیه می شود کشورها:

(الف) قوانین داخلی کار را اجرا نمایند، پایان بخشیدن به کار کودکان را در سیاست های توسعه ملی لحاظ نمایند و الویت را به حذف و پایان بخشیدن به «بدترین اشکال» کار کودک بدهند، که به صورت ذاتی خشونت آمیز هستند. باید به استثمار اقتصادی کودکان در بخش غیر رسمی، به عنوان مثال کشاورزی، ماهیگیری و کار در خانه ها، که این پدیده شایع تر است توجه خاص معطوف نمایند. به علاوه دولت ها باید از حضور و مشارکت کودکانی که کار می کنند در مباحثات مربوط به یافتن راه هایی برای این معضل اطمینان حاصل نمایند؛

(ب) در موارد و موقعیت هایی که کودکان به طور قانونی کار می کنند (یعنی مطابق موازین و اصول پیمان نامه ها و معاهدات بین المللی) نظام ها و فرآیندهای بازرسی و اجرایی ایجاد و اجرا نمایند که به طور صریح برنامه های پیشگیری از خشونت، سیستم های گزارش موارد خشونت و سیستم های طرح شکایات مربوط به اعمال خشونت را در خود دارند؛

(پ) در موارد و موقعیت هایی که کودکان به طور غیر قانونی کار می کنند از در دسترس بودن برنامه های بازگرداندن کودکان به روال زندگی عادی اطمینان حاصل نمایند که در این برنامه ها تمرکز بر کمک به کودکان خردسال و کودکانی که «بدترین نوع کار» را انجام می دهند برای ترک کار، تحصیل و دریافت آموزش، و ارتقاء فرصت های زندگی آنان بدون قربانی شدن مجدد باشد؛

(ت) از حمایت و کمک های بخش خصوصی، اتحادیه های تجاری و جامعه مدنی برای ایجاد همکاری ها و شراکت های کاری که اقدامات مسئولیت اجتماعی جمعی را تحریک می کند استفاده نمایند و بخش خصوصی، اتحادیه های تجاری و جامعه مدنی را تشویق نمایند تا دستورالعمل های اخلاقی را در پشتیبانی از تدوین برنامه های پیشگیری از خشونت در محیط کار تدوین و اجرا نمایند.

5. در جامعه محلی

114. با در نظر گرفتن اینکه اقداماتی که برای پیشگیری از بروز خشونت و پاسخگویی به خشونت علیه کودکان در جوامع محلی اتخاذ می شوند باید به عوامل خطرزای اجتماعی و اقتصادی و محیط فیزیکی جامعه بپردازند، توصیه می شود کشورها:

(الف) راهبردهای پیشگیرانه ای برای کاهش عوامل خطرزا در جوامع محلی ایجاد و اجرا نمایند. عوامل خطرزا در مکان های مختلف با یکدیگر متفاوت هستند ولی به طور کلی از این عوامل می توان به دسترسی آسان به الکل و مواد مخدر، مالکیت و حمل سلاح های گرم و سایر انواع اسلحه، و استفاده از کودکان در فعالیت های غیر قانونی اشاره نمود؛

(ب) میزان نابرابری های اجتماعی و اقتصادی را کاهش دهند. دولت ها باید تاثیر سیاست های عمومی بر آسیب پذیری جوامع و کودکان این جوامع در برابر خشونت مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند و در زمینه اجرای برنامه ها و سیاست های اجتماعی، تامین مسکن، ایجاد اشتغال، و ارتقاء کیفیت آموزش به طور اساسی سرمایه گذاری نمایند. الویت باید به رویکرد هایی داده شود که بر فقر و ارتقاء ارتباطات، مشارکت و شبکه های اجتماعی در داخل جوامع محلی و بین گروه های مختلف جوامع تمرکز می کنند و از این راه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تامین می کنند؛

(پ) آموزش های مربوط به حقوق کودک را برای نیروهای پلیس تدوین و برگزار نمایند که شامل اطلاعات و راه های مناسب برای رسیدگی به کلیه کودکان باشد، به ویژه آن دسته از کودکانی که به گروه های محروم به حاشیه رانده شده تعلق دارند و کودکانی که در معرض تبعیض قرار دارند؛ ترتیبی اتخاذ نمایند تا افراد پلیس

آموزش های لازم را در مورد مراحل رشد کودکان، فرآیند ایجاد هویت در فرد، دینامیک و ماهیت خشونت علیه کودکان، تفاوت میان گروه های معمولی همسالان و باندها، و نحوه برخورد مناسب با کودکانی که تحت تاثیر الکل و مواد مخدر هستند دریافت نمایند؛

(ت) دسترسی زودهنگام به خدمات منسجم، از جمله خدمات هماهنگ شده ارجاع و پیگیری برای قربانیان و عاملان خشونت ایجاد نمایند؛ اقدامات مقتضی را اتخاذ نمایند تا مراقبت های پیش بیمارستانی و خدمات اورژانسی پزشکی / درمانی برای قربانیان خشونت به همراه خدمات حمایتی جسمی و روانی ایجاد و تامین شود؛ با در نظر گرفتن اینکه عاملان خشونت باید مسئولیت اقدامات خود را بپذیرند و به نحوی مناسب مجازات شوند، برنامه هایی برای اصلاح عاملان خشونت ایجاد نمایند؛

(ث) اقدامات و فعالیت های مقامات محلی و جامعه مدنی برای پیشگیری از خشونت علیه کودکان را ترویج نمایند و مورد حمایت قرار دهند به ویژه از طریق ایجاد تفریحات سالم و امن و سایر فرصت های فعالیت های سالم برای پسران و دختران، با در نظر گرفتن کودکانی که به طور خاص آسیب پذیر هستند؛

(ج) مقامات شهری و محلی را تشویق به کاهش عوامل خطرزای ایجاد خشونت در محیط فیزیکی تشویق نمایند و از آنها حمایت کنند. ایجاد مکان های عمومی امن و با نور کافی که در دسترس کودکان باشند، از جمله مسیر های امن برای کودکان و نوجوانان برای رفت و آمد در منطقه محل زندگی خود، باید در طرح ها و برنامه های شهرسازی اعمال و لحاظ شود؛

(چ) چارچوب قانونی مناسبی تدوین و ایجاد نمایند که با اسناد و استاندارد های بین المللی مطابقت و همخوانی داشته باشد و قوانین داخلی را به طور کامل و قاطع برای مقابله با قاچاق انسان اعمال نمایند؛ تلاش هایی را که برای حمایت از کلیه کودکان در برابر قاچاق و استثمار جنسی صورت می گیرد تقویت کنند، از جمله از طریق همکاری های دوجانبه، زیرمنطقه ای، منطقه ای و بین المللی و در همین زمینه تعاریف، روال و همکاری در همه سطوح را هماهنگ و یکپارچه نمایند. راهبردها باید در طیفی گسترده از پیشگیری اولیه (یعنی تغییر شرایطی که کودکان را در برابر قاچاق انسان آسیب پذیرتر می کند) تا اجرای قانون با هدف مقابله با قاچاقچیان کودک پیش بینی شوند و همچنین باید از این امر اطمینان حاصل نمایند که قربانیان قاچاق انسان و کلیه استثمار های مربوطه مجرم شناخته نشوند؛

(ح) پیگرد کلیه جرائم مربوط به فروش کودکان، فحشای کودکان و هرزه نگاری کودکان را از طریق بازبینی جامع قوانین داخلی به منظور پایان بخشیدن به ضرورت جرم شناخته شدن عمل ارتكابی هم در کشور محل

ارتکاب جرم و هم در کشوری که متهم در آنجا تحت پیگرد قرار می گیرد بهبود بخشند.^{۷۸} کشورهای عضو پروتکل الحاقی در زمینه فروش کودکان، فحشای کودکان و هرزه نگاری کودکان باید قوانین داخلی خود را با استفاده از این پروتکل الحاقی به عنوان بستری قانونی، برای استرداد کلیه مجرمانی که جرائم ذکر شده در پروتکل الحاقی را مرتکب شده اند، مورد بازبینی و اصلاح قرار دهند؛

(خ) از ارائه حمایت، دسترسی به مراقبت های پزشکی، مساعدت مناسب و خدمات اجتماعی برای ادغام مجدد در جامعه به کودکانی که قربانی قاچاق کودک شده اند و زمانی که این کودکان در روند تحقیق و رسیدگی قضائی درگیر هستند اطمینان حاصل نمایند. در همین زمینه توجه کشورها را به دستورالعمل های سازمان ملل در مورد امر قضا در اموری که به کودکان قربانی جرم و شاهدان جرم مربوط میشود جلب می کنم؛^{۷۹}

(د) تلاش هایی را که برای مبارزه با استفاده از فن آوری اطلاعات، از جمله اینترنت، تلفن های همراه و بازی های رایانه ای به منظور استثمار جنسی کودکان و اعمال سایر انواع خشونت انجام می شود تقویت نمایند. از اقداماتی که برای آموزش کودکان و مراقبین آنها در زمینه خطراتی که در این زمینه آنها را تهدید می کند حمایت کنند. اقدامات مقتضی را اتخاذ نمایند تا تولید، توزیع، مالکیت و استفاده از هرزه نگاری کودکان جرم تلقی شود و افرادی که به این فعالیت ها مبادرت می ورزند به نحوی مناسب مجازات شوند؛

(ذ) صنایع اطلاعات، ارتباطات و مخابرات را تشویق نمایند تا استاندارد های جهانی برای حمایت از کودکان تدوین و اجرا نمایند، در زمینه سخت افزار و نرم افزار های حمایتی، تحقیق و پژوهش نمایند و هزینه های مربوط به برگزاری برنامه های آموزشی جهانی در زمینه استفاده سالم از فن آوری های جدید را تامین کنند.

پ. اجرا و پیگیری

«ما به کمک و حمایت شما برای توقف اعمال خشونت علیه کودکان، نه تنها در منطقه خود، بلکه در سراسر جهان، نیاز داریم. یک ضرب المثل چینی می گوید: «Gu Cheung Lan Ming»، یعنی اگر فقط یک دست حرکت کند صدایی شنیده نمی شود». ما کودکان یک دست از دو دست هستیم. بزرگسالان دست دیگر هستند.

⁷⁸ يك جرم وقتي جرم محسوب مي شود كه هم مطابق قوانين داخلي كشوري كه ارتكاب به جرم در آنجا حادث شده است و هم مطابق قوانين داخلي كشوري كه فرد متهم به ارتكاب جرم در آنجا محاکمه مي شود جرم محسوب شود.

⁷⁹ قطعنامه شوراي اقتصادي و اجتماعي 2005/20.

جامعه محلی یک دست از دو دست است. دولت یک دست است ... ما بر این باوریم که اگر در کنار یکدیگر برای آینده کار کنیم، می توانیم جامعه ای با صلح، محبت و اتحاد بنا کنیم!»

نوجوانان و جوانان، منطقه شرق آسیا و اقیانوسیه⁸⁰

115. مسئولیت اولیه اجرای توصیه ها با کشورها است. لیکن مشارکت سایر دست اندرکاران در سطح ملی، منطقه ای و بین المللی برای مساعدت به کشورها در انجام وظایف در این زمینه از اهمیت بسیاری برخوردار است. این دست اندرکاران شامل آژانس های سازمان ملل متحد، جامعه مدنی از جمله سازمان های ملی حقوق بشر، نهاد های تخصصی مانند انجمن های پزشکان و پرستاران، انجمن های محلی، آموزگاران، والدین و کودکان می شود.

1. سطوح ملی و منطقه ای

116. اجرا در سطح ملی باید بدون هیچ گونه اتلاف وقتی آغاز شود. ادغام و لحاظ نمودن اقدامات مربوط به پیشگیری و پاسخگویی به خشونت علیه کودکان در فرآیند های برنامه ریزی ملی باید در سال 2007 اتفاق بیافتد و باید فرد مسئول، ترجیحاً در سطح وزیر، تعیین و منصوب شود. ممنوعیت اعمال خشونت علیه کودکان از طریق قانون و آغاز فرآیندی برای ایجاد و راه اندازی سیستم های قابل اعتماد گردآوری اطلاعات در سطح ملی باید تا سال 2009 محقق شود. کشورهای عضو پیمان نامه و پروتکل های الحاقی آن باید اطلاعات مربوط به پیشرفت روند اجرای این پیشنهادات را در گزارش های خود که به کمیته حقوق تسلیم می کنند بگنجانند. گزارش پیشرفت کار در زمینه اجرای توصیه ها باید در جلسه شصت و پنجم مجمع عمومی تسلیم شود.

117. سازمان های بین المللی باید دولت ها را به اجرای این توصیه ها تشویق نمایند و از آنها حمایت کنند. توصیه می شود موسسات مالی بین المللی، سیاست ها و فعالیت های خود را مورد بازبینی و بررسی مجدد قرار دهند تا از تاثیراتی که فعالیت آنها می تواند بر کودکان داشته باشد آگاه شوند. تیم های کشوری سازمان ملل متحد باید تدابیری برای پرداختن به خشونت علیه کودکان در راهبردهای کاهش میزان فقر، ارزیابی های هماهنگ شده کشوری و چارچوب های حمایت از توسعه بگنجانند.

118. دولت ها باید تعیین نماینده و یا کمیسیونری برای حقوق کودکان مطابق با اصول مرتبط با وضعیت سازمان های ملی حقوق بشر (اصول پاریس) را در نظر داشته باشند.⁸¹ این نهاد از طریق همکاری نزدیک با سایر

⁸⁰ پیام اصلی هیئت زیر 18 سال، در گزارش نتایج منطقه ای مطالعه دبیر کل سازمان ملل متحد در زمینه خشونت علیه کودکان: شرق آسیا و اقیانوسیه (2005).

سازمان ها و نهاد هایی که در زمینه امور بهداشت و سلامت عمومی و حمایت از کودکان فعالیت می کنند باید شرح وظایفی مشخص برای پایش حقوق کودکان در سطوح ملی، منطقه ای و محلی داشته باشند. در مواقع لزوم این نهاد ها باید از صلاحیت و قدرت اجرایی کافی برای دریافت شکایت از عموم، از جمله خود کودکان، در ارتباط با موارد نقض حقوق کودک و انجام تحقیقات و بررسی های مربوطه داشته باشند.

119. در پرتو مشارکت های سازمان های منطقه ای در انجام این مطالعه، سازمان های منطقه ای باید در روند اجرا و پیگیری این پیشنهادات دخیل و فعال باشند. ایجاد مکانیسم های منطقه ای باید به عنوان بخش مهمی از چارچوب و بستر کلی برای انجام فعالیت های مربوط به پیگیری تشویق شود. همچنین بنده نظام های منطقه ای حمایت از حقوق بشر را تشویق به همکاری در پایش اجرای این پیشنهادات تشویق و دعوت می نمایم.

2. سطح بین المللی

120. با توجه به اهمیت هماهنگی بین بخشی در پرداختن به معضل اعمال خشونت علیه کودکان، توصیه می شود که مجمع عمومی سازمان ملل متحد از دبیر کل سازمان درخواست نماید تا نماینده ای ویژه در زمینه خشونت علیه کودکان معین و منصوب شود تا به عنوان مروج عالیرتبه ای برای پیشبرد و ارتقا سطح پیشگیری و پایان بخشیدن به کلیه انواع خشونت علیه کودکان عمل کند، همکاری و هم سوئی بین المللی و منطقه ای را تشویق نماید و از پیگیری انجام توصیه های حاضر اطمینان حاصل نماید.

121. نماینده ویژه باید توصیه های این مطالعه را در مجامع مختلف بین المللی، منطقه ای و ملی منتشر و ترویج نماید. وی باید گزارش های خود را به طور دوره ای به شورای حقوق بشر و مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه و همچنین باید هماهنگی های مربوط به آماده سازی و تدوین گزارش مربوط به اجرای توصیه ها را انجام دهد تا در شصت و پنجمین جلسه مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه گردد.

122. این نماینده ویژه با نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل متحد در زمینه امور کودکان و درگیری های مسلحانه، گزارشگر ویژه در زمینه فروش، فحشا و هرزه نگاری کودکان، گزارشگر ویژه در زمینه خشونت علیه زنان و گزارشگر ویژه در زمینه قاچاق انسان به ویژه زنان و کودکان همکاری نزدیک خواهد داشت ولی فعالیت های کمیته حقوق کودک را تکرار نخواهد کرد. این نماینده ویژه باید با نظام های منطقه ای حمایت از حقوق بشر و کلیه برنامه های دیگر منطقه ای و ملی در زمینه پیگیری، همکاری خواهد داشت.

⁸¹ اصول مربوط به وضعیت نهاد های ملی برای پیشبرد و حمایت از حقوق بشر. قابل دسترس در پایگاه اینترنتی: <http://www.unhcr.ch/html/menu6/2/fs19.htm#annex>. این پیشنهادات طی قطعنامه 48/134 مورخ 20 دسامبر سال 1993 توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب و امضا شد.

123. نماینده ویژه در آغاز فعالیت باید دستورکاری چهار ساله داشته باشد. با تکیه بر موفقیت همکاری بین سازمانی که در انجام مطالعه کسب شده است وی باید از طرف کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد (OHCHR)، صندوق کودکان سازمان ملل متحد (UNICEF) و سازمان جهانی بهداشت (WHO) مورد حمایت قرار گیرد. یک گروه بین سازمانی متمرکز بر امر خشونت علیه کودکان متشکل از سازمان های وابسته به سازمان ملل متحد با نمایندگانی از سازمان های غیر دولتی و خود کودکان باید به انجام فعالیت های مربوط به پیگیری کمک نمایند.